

روزنامه نگاران پاسخ می دهند

مشکل صنفی روزنامه نگاران ایرانی چیست؟

فرید ادیب هاشمی

اشاره:

تزدیک به ۱۶۰ سال از آغاز به کار اولین روزنامه در ایران می گذرد. در تمامی این سالها بیشتر روزنامه نگاران، ندای آزادی سردادند و حقوق مردم را فریاد کردند، ولی کسی پیدا نشد که سنگ حقوق آنها را به سینه بزند. خوب این هم نوعی تقسیم کار در جامعه ایران است و مصداق بارزی برای این ضرب المثل معروف که «کوزه گران کوزه شکسته آب می خورد».

«روزنامه نگاران ایرانی» - با همه بار معنایی که هر یک از کلمات این عبارت در کلمه ای داراست - از مشروطه تا امروز، همواره همه خطرها را به جان خرید و خود را سپر بلائی دیگران کرده تا آنها به حقوق حقه خود برسند اما کمتر موقعیتی پیش آمده تا سطرها و ستونها و صفحات روزنامه ها و مجله ها، به محلی برای نوشتن «عرض حال» روزنامه نگاران تبدیل شود. یک روزنامه نگار نه چندان جوان می گفت، در همین سالهای اخیر شاهد بوده است که جمعی از روزنامه نگاران شاغل در یک روزنامه، با چه مشقتی توانسته اند موافقت مسئولان روزنامه خودشان را برای چاپ درخواست جمع کثیری از روزنامه نگاران برای سخت و زیان آور شناخته شدن حرفه شان جلب کنند و این یعنی همان آب خوردن کوزه گران از کوزه شکسته. هر روز درخواست های دیگران را چاپ کنی و گاه برای احقاق حق یک مظلوم، با محکمه و عدلیه سروکار پیدا کنی ولی کسی را ندانسته باشی که از ابتدایی ترین حقوقت دفاع کن!

وضعیتی از این دست به اضافه مشکلات مربوط به پایین بودن دستمزدها، نبود امنیت شغلی، پایین بودن منزلت اجتماعی و دیگر دلایل «برون سازمانی» و «درون سازمانی» مؤثر بر حرفه روزنامه نگاری باعث شده است تا روزنامه نگاری به عنوان «یک شغل پر دردسر» و البته «بدون جیره و مواجب» در بین روزنامه نگاران، دانشجویان روزنامه نگاری و همچنین جمع قابل توجهی از مخاطبان شناخته شود.

تصویری اینچنین از این حرفه مقدس که از گذشته های دور تا کنون همواره وجود داشته باعث شده است تا تحریریه ها، کمتر شاهد حضور مداوم و طولانی مدت روزنامه نگاران باشند. تحریریه ها دائماً در حال تغییر چهره هستند. افراد دم به دم عوض می شوند. آن که امروز در این تحریریه به عنوان یک نیروی جدید آغاز به کار می کند، دیرزمانی در نشریه ای دیگر قلم می زده و آن که جایگزین او در آن تحریریه شده نیز وضعیتی مشابه دارد. نشریات دائماً در حال ربایش نیروهای یکدیگرند و در این میان آن که «پولش بیش است»، حتماً در بازار خرید و فروش نیروی انسانی، گرانتر و سنگین تر با خود خواهد برد.

آیا هیچ فکر کرده اید که به کجا داریم می رویم؟ یکی از روزنامه نگاران می گفت ما کم کم داریم وضعیتی مشابه ورزشکاران حرفه ای و مخصوصاً فوتبالیست های باشگاهی را پیدا می کنیم. دائماً در حال نرخ گذاری روی عملکردمان هستیم. روزنامه تازه ای تأسیس می شود یا در شرف تأسیس است، چاره ای ندارد جز خریدن یار تازه و برای این خرید، تنها محل مناسب، تحریریه دیگر روزنامه هاست. او خود می گفت البته اشکالی ندارد که شرایط بازار، بر کار روزنامه نگاران نیز حاکم شود. اما این حق مسلم روزنامه نگار است که لاقول جایی مثل فدراسیون های ملی و منطقه ای و بین المللی ورزشی که ناظر بر خرید و فروش های فوتبالیست ها هستند نیز ناظر چنین دادوستدهایی باشند تا احياناً نه حقوق باشگاه های مطبوعاتی (با همان نشریات)، ضایع شود نه کسی قادر باشد حق و حقوق روزنامه نگار را نادیده بگیرد.

خلاصه اینکه تا سایه تشکیلاتی را که خود ساخته ایم و باور داریم بر بالای سر خود حس نکنیم، فریادهای تک تک روزنامه نگاران برای دستیابی به دستمزدهای عادلانه، بیمه، مسکن، امنیت شغلی و... صداهای ضعیفی است که تندبادهای جاری مانع رسیدن آنها به گوش های شنوا خواهد شد. به دوروبرتان بنگرید. چند درصد همکاران امروزی شما، یاران قدیمی اند؟ حتماً دیگرانی را به یاد دارید که روزنامه نگاری را بوسیده اند و کنار گذاشته اند؟ خیلی ها تاب ماندن نیاوردند، خیلی ها چند پشه شده اند، خیلی ها علی رغم استعداد های فراوان به جای افزایش مهارت ها و آگاهی هایشان سر از ناگهان آبادی های در آورده اند که روزگاری حتی حاضر نبودند کلاه افتاده شان را از آنجا بردارند. اما امروز آنچنان در این وادی غرق شده اند که همه چیز را از یاد برده اند.

بسیاری دیگر به خاطر تأمین رزق و روزی خانواده تن به کار در چند نشریه داده اند و عملاً به ماشین های تولید انبوه مطلب تبدیل شده اند. حاصل کلام اینکه، امروز در میان این نابسامانی ها، تشکلهای صنفی و مهمتر از همه انجمن صنفی روزنامه نگاران با به میدان گذاشته است تا به یاری روزنامه نگاران، اوضاع را سامان بخشد. ما نیز مهمترین مسائل موجود در عرصه تشکل صنفی خبرنگاران را در قالب سه سؤال زیر با جمعی از روزنامه نگاران، سردبیران و مدیران مسؤول نشریات در میان گذاشته ایم:

۱. انجمن صنفی روزنامه نگاران، باید چه ویژگی هایی داشته باشد تا فراگیر تلقی شود؟
۲. مهمترین مشکل صنفی روزنامه نگاران ایرانی چیست؟ از انجمن صنفی برای رفع این مشکل چه انتظاری دارید؟
۳. آیا اصلاح است که مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز نیز عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران شوند؟ آنچه در ادامه می خوانید پاسخ روزنامه نگاران به سؤال های ماست:

است. ما بارها صحبت کردیم که می خواهیم انجمن صنفی داشته باشیم. به مسایل سیاسی کاری نداریم. مسایل ما در ارتباط با مشکلات کارگران در مقابل کارفرمایان است. بحث ما این است که ما باید تکلیف سندیکا را روشن کنیم. برای این کار باید یک مجمع عمومی تشکیل شود و همه اعضا بیایند و بگویند که مثلاً یا سندیکا منحل شود و یا به انجمن صنفی تبدیل گردد. تا آن زمان وزارت کار اجازه داده است که رئیس و خزانه دار آخرین هیأت مدیره کار را پیگیری کنند و به نتیجه برسند».

بلوری در پاسخ به این سؤال که «بالاخره چه می شود؟»، می گوید: «ببینید! این نقص قانونی است که باید رفع شود. در آیین نامه جدید درباره سرنوشت سندیکاها سکوت شده و پیش بینی نشده است که چه باید کرد! در قانون تنها اشاره شده که همه می توانند تشکل صنفی داشته باشند. ما بارها رسماً تقاضا کرده ایم که وزارت کار تکلیف سندیکاها به خصوص تکلیف سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات را مشخص کند. وزارت کار باید اجازه تشکیل یک مجمع عمومی را به ما بدهد».

از محمد بلوری می پرسیم: «نبود یک تشکل صنفی فراگیر، چه لطمه ای به جامعه مطبوعاتی می زند؟» و پاسخ چنین است: «این لطمه از چند جهت است: یکی از جهت مشکلات اقتصادی و دیگری از نظر کیفیت کار روزنامه نگاری؛ تمام صنف ها برای خودشان تشکل دارند ولی خبرنگاران ندارند. این گروه از آینده اش بیمناک است. شما فقط مسأله دستمزدها را در نظر بگیرید، نشریات هفتگی، حقوق بسیار پایی به خبرنگاران می دهند، که با آن نمی توان زندگی را اداره کرد. خبرنگار باید برای تأمین زندگیش در نشریات متعدد کار کند و این به او لطمه می زند. نبود تشکل صنفی اینجا حس می شود».

از سوی دیگر علاوه بر نابسامانی های اقتصادی، فضایی برای انتقال تجارب وجود نداشته است. شما می بینید چهره های مطبوعاتی جوانی که در کار خود مهارت دارند، انگشت شمارند. تربیت نیروهای جوان و انتقال تجربه ها، از طریق تشکلهای صنفی ممکن است».

بلوری در مورد وظایف تشکل های صنفی

■ شما فقط مسأله دستمزدها را در نظر بگیرید، نشریات هفتگی، حقوق بسیار پایینی به خبرنگاران می‌دهند، که با آن نمی‌توان زندگی را اداره کرد. خبرنگار باید برای تأمین زندگیش در نشریات متعدد کار کند و این به او لطمه می‌زند.

مطبوعاتی می‌گوید: «اگر این تشکلهای پا بگیرند، مشکلات فراوانی را که موجود است، حل خواهند کرد. در حال حاضر نشریات به ارزان‌ترین قیمت، تخصص، تجربه و توان روزنامه‌نگار را می‌خورند و این کار هیچ حساب و کتابی ندارد. باید به این مسایل پرداخت و این مشکلات را از سر راه خبرنگاران برداشت. به این ترتیب باری هم از دوش وزارت ارشاد برداشته می‌شود و این مرکز می‌تواند از نظر فرهنگی به مسایل مطبوعات برسد.

همچنین در حال حاضر مطبوعات ما از نظر کیفیت کار با افت شدیدی روبه‌رو هستند و این مسأله عوامل مختلفی دارد که بخشی از آن به مدیران روزنامه‌ها برمی‌گردد و به این ترتیب فضای تحریریه‌ها فضای واقعی ژورنالیستی نمی‌شود و همه این مشکلات را انجمن صنفی می‌تواند برطرف کند و ضعف‌ها را به قوت بدل کرده، بالندگی ایجاد کند. از دیگر وظایف تشکل صنفی، ایجاد صندوق بیکاری است که روزنامه‌نگار در شرایط بیکاری ناخواسته بتواند از آن استفاده کند؛ تشکل باید برای تأمین مسکن خبرنگار چاره‌ای بیندیشد و خلاصه از نظر فرهنگی و اقتصادی در رفع نیازهای نیروهای تحریریه بکوشد.»

رئیس هیأت‌مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات تأکید می‌کند: «البته همه آنچه گفتیم به شرطی تحقق می‌پذیرد که مسایل سیاسی در انجمن صنفی دخالت نداشته باشد، اگر انجمن صنفی تنها به مسایل صنفی توجه کند، موفقیت خود را تضمین کرده است.»

از بلوری درباره لزوم ایجاد نظام مطبوعاتی می‌پرسیم. می‌گوید: «این مسأله بسیار مهم است. ما بارها با مقامات صحبت کردیم که

وجود یک نظام مطبوعاتی می‌تواند بسیاری از مسایل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مطبوعات را حل کند و از کشاندن بعضی مسایل به دادگاه‌ها جلوگیری کند؛ به این ترتیب دادگستری نیز مشکلات کمتری خواهد داشت. این نظام در رسیدگی به بعضی تخلفات صالح‌تر است چرا که وقتی اعضای هیأت رسیدگی از خود روزنامه‌نگاران انتخاب شوند، بهتر می‌توانند سلامت جامعه مطبوعاتی را تضمین کنند.

اگر خبرنگاری از اصول اخلاقی حرفه‌ای تخطی کرد - مثلاً رشوه گرفت - در صلاحیت نظام مطبوعاتی است که آن را مورد بررسی قرار دهد. این نظام می‌تواند زمینه از بین بردن این تخلفات را فراهم کند. و شخصیت واقعی را به جامعه مطبوعات بازگرداند. اگر گردی به دامان مطبوعات بنشیند، این تنها خبرنگار نیست که ضرر می‌کند، دودش، به چشم همه خواهد رفت و تنها نظام مطبوعاتی می‌تواند به این مسائل رسیدگی کند.»

بلا تکلیفی

با غلامحسین صالحیار - روزنامه‌نگار سابقه - درباره تشکلهای صنفی مطبوعات به گفت‌وگو می‌نشینیم. او هم ابتدا از سندیکا و وضعیت بلا تکلیف و نامشخص آن می‌گوید:

تشکلهای صنفی در حال حاضر در دو سه محور عمده شکل گرفته است:

۱. تشکلی که از سال ۱۳۴۱ به اسم سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، رسماً به وجود آمده که سابقه ۳۵ سال فعالیت دارد، به ثبت رسیده و به رسمیت شناخته شده است. منتهی بعد از انقلاب و بعد از اینکه آخرین دوره دوساله هیأت‌مدیره این سندیکا که در مهر ۵۸ تشکیل شده بود - تمام شد، به علت وضع قوانین جدیدی در مورد سندیکا - این فعالیت به تدریج کم‌رنگ‌تر شده، البته متوقف نشد و حتی در ماه‌های اخیر تشدید هم شده ولی علت کم‌رنگ‌تر شدن فعالیتش مانع خیلی کوچک قانونی است؛ به این ترتیب که مقررات جدیدی که برای سندیکاها وضع شده، کلمه‌ای به نام سندیکا را قبول نداشت و می‌گفت اگر انجمن صنفی می‌خواهد فعالیت کند باید اساسنامه‌اش را اصلاح کند و اسمش را عوض کند.

از نظر سندیکا مشکل این بود که

هیأت‌مدیره اختیار تغییر اساسنامه و نام سندیکا را نداشت. دست‌اندرکاران سندیکا مکاتبات و مراجعات و جلسات متعددی با وزارت کار داشتند که این مشکل قانونی را حل کنند. سندیکا می‌گوید: شما به ما اجازه بدهید مجمع عمومی را تشکیل دهیم و مجمع عمومی اختیار دارد که موضوع تغییر اسم و اساسنامه را انجام دهد. متأسفانه در طول هشت سال جنگ تحمیلی، وزارت کار تشکیل اجتماعات را مصلحت نمی‌دانست، بنابراین تشکیل مجمع عمومی در بوته اجمال ماند و حل نشد. بعد از پایان جنگ، مسؤولان سندیکا به وزارت کار مراجعه کردند، مشکل دیگری پیش آمده بود. آنها گفتند چون دوره دوساله هیأت‌مدیره در مهرماه ۵۹ تمام شده، هیأت‌مدیره فعلی نمی‌تواند به عنوان نماینده قانونی سندیکا مورد خطاب قرار گیرد، از مجموعه تشکیلات سندیکا تنها محمد بلوری - رئیس هیأت‌مدیره - و مسعود مهاجر - خزانه‌دار - می‌توانند مسایل را تعقیب کنند و کار را به سامان برسانند.

○ سرانجام این ماجرا چه خواهد شد؟

□ در حال حاضر فعالیت‌های انجمن فقط از طریق رئیس و خزانه‌دار سندیکا صورت می‌گیرد و ما هر چه اصرار می‌کنیم که وزارت کار اجازه دهد سندیکا جلسه مجمع عمومی داشته باشد، و تکلیف کار روشن شود، این اجازه داده نمی‌شود. آنها می‌گویند ما کلمه سندیکا را به رسمیت نمی‌شناسیم. رفع اشکال قانونی باید در مجلس صورت بگیرد. در این وسط از نظر قانونی ما حالت معلق داریم. در عین حال که به رسمیت شناخته شده‌ایم، سندیکا به ثبت رسیده، با ما مکاتبه می‌شود ولی اجازه تشکیل مجمع عمومی و به فعالیت انداختن دوباره هیأت‌مدیره را نداریم. به این ترتیب دست‌وپای سندیکا واقعاً بسته است. ما قضیه را به طور مرتب دنبال می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم مشکل قانونی را حل کنیم و فعالیت سندیکا آغاز شود. به جز آنچه گفتیم، مشکل در کار ما وجود ندارد؛ هیچ دادگاهی حکمی علیه سندیکا صادر نکرده؛ سندیکا از نظر قانونی وجود دارد. هیأت اجرایی موقت منسوب شده است تا تشکیل مجمع عمومی کارها را دنبال کند؛ دبیرخانه وجود دارد، و بیش از ۳۰۰ پرسننامه به دبیرخانه رسیده است که سندیکا برای پاسخ به آنان و به جریان انداختن

فریبرز بیات دبیر سرویس اجتماعی روزنامه همشهری انجمن صنفی باید مستقل از نهادهای قدرت عمل کند



بخش عمده مشکل امنیت شغلی روزنامه‌نگاران ایرانی به ساخت مدیریتی و مالکیتی روزنامه‌ها و نشریات برمی‌گردد.

روزنامه‌ها و نشریات برمی‌گردد. متأسفانه، مالکیت و مدیریت در بیشتر نشریات، غیرحرفه‌ای است. و به همین دلیل کمتر حاضرند حقوق روزنامه‌نگاران را رعایت کنند. علاوه بر این، عدم مشارکت روزنامه‌نگاران در سهام مؤسسات مطبوعات به مدیران مؤسسات مطبوعاتی برای برخورد با خبرنگار، قدرت فوق‌العاده می‌بخشد و امنیت این حرفه را با خطر مواجه می‌کند.

– پایین بودن شأن و منزلت این حرفه در نزد مقامات و مسؤولان، از یک طرف و قدرت بی‌حد و حصر و غیرقابل چون و چرای مسؤولان از طرف دیگر، از جمله دیگر عواملی است که به ناامنی حرفه روزنامه‌نگاری دامن می‌زند.

– قانون مطبوعات، قاعدتاً می‌بایست مدافع حقوق روزنامه‌نگاران باشد اما، متأسفانه در قانون مطبوعات ما، مواد مربوط به حقوق، بسیار اندک و مواد مربوط به تکالیف، بسیار وسیع و پدیده بوده و مواد قابل تأویل و تفسیر بسیار است.

۳. در هر فعالیت صنفی معمولاً دو طرف وجود دارد: کارگر و کارفرما. دلیل این تفکیک، اختلاف منافع و علائق طرفین است. نتیجه آن نیز تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های مختلف کارفرمایی و کارگری است.

در مطبوعات ایران، صاحب‌امتیازان و مدیران مسؤول و حتی سردبیران، معمولاً صاحبان سرمایه و سهام یا نمایندگان صاحبان سرمایه و سهام مؤسسات هستند و از حقوق آنها دفاع می‌کنند، بنابراین، قاعدتاً نمی‌توانند در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به مثابه اعضای بدون سرمایه و سهام مؤسسات مطبوعاتی عضو باشند.

به عقیده «فریبرز بیات» دبیر سرویس اجتماعی روزنامه همشهری، استقلال انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از نهادهای قدرت و به ویژه دولت، نقش بسزایی در کارآمدی آن دارد.

۱. فراگیری انجمن صنفی به عواملی چند بستگی دارد:

الف: انجمن حدود مرزهای فعالیت صنفی و سیاسی را به نحوی واضح و خالی از ابهام از هم تفکیک کند، و تلاش در جهت دفاع از حقوق صنفی همه روزنامه‌نگاران را فارغ از مرزبندی‌های فرهنگی و سیاسی وجهه همت خود قرار دهد. البته برخی از مسائل صنفی ماهیت سیاسی دارند که بحث آن جداست.

ب: فرایند انتخاب هیأت‌مدیره و نیز تصویب اساسنامه و آیین‌نامه‌های فعالیت آن شفاف و روشن باشد.

ج: استقلال انجمن از نهادهای قدرت و به ویژه دولت، نقش بسزایی در کارآمدی آن برای دفاع از حقوق صنفی اعضا در برابر مراجع مختلف قدرت دارد.

د: برای مشارکت اعضا در انجمن، دو شکل متصور است: الف - توده‌وار ب - سازمان یافته. در روش توده‌وار، انجمن از همه روزنامه‌نگاران می‌خواهد که به صورت انفرادی در انجمن عضو شوند. اما در روش سازمان یافته، لازم است در هر نشریه یا روزنامه (به مثابه یک کارگاه) شوراهایی تشکیل شود که به مثابه زیرمجموعه‌های انجمن در هر نشریه می‌باشند، که بدین وسیله روزنامه‌نگاران آگاهانه‌تر و عمیق‌تر در فعالیت‌های انجمن مشارکت خواهند کرد.

۲. امنیت شغلی، مهم‌ترین مشکل روزنامه‌نگاران ایرانی است. بخشی از این مشکل به نبود شکل صنفی برمی‌گردد. اما بخش عمده دیگر این مشکل، به ساخت مدیریتی و مالکیتی

کار و صدور کارت برای این گروه باید بعد از روشن شدن وضعیت قانونی، اقدام کند.

○ تشکیل انجمن صنفی از نظر قانونی

چه وضعیتی دارد؟

□ طبق قانون کار جدید که در دهه ۶۰ تصویب شده، اصولاً هر کارگاهی یا حداقل ۲۰ نفر عضو می‌تواند انجمن صنفی تشکیل دهد. مثلاً اگر در تهران فلان واحد صنفی ۲۰ نفر عضو داشته باشد، می‌تواند انجمن صنفی تشکیل بدهد. در صنف مطبوعاتی‌ها چند سال پیش انجمن ورزشی نویس‌ها تشکیل شد. همینطور انجمن‌های دیگری چون منتقدین سینمایی و اخیراً هم که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اعلام موجودیت کرد.

○ به نظر شما تعدد انجمن‌های صنفی را باید

مثبت تلقی کرد یا خیر؟

□ این بستگی دارد به اینکه یک انجمن صنفی تا چه حد فراگیر است و تا چه حد در مسایل مشترک و مورد علاقه، با انجمن‌های دیگر در ارتباط و هماهنگی است. ممکن است یک انجمن صنفی متحد و واحد وجود داشته باشد و بتواند فراگیر شود؛ همچنین ممکن است به علت‌های مختلف - چه ذاتی و چه عارضی - صلاح در این باشد که چندین انجمن صنفی وجود داشته باشد. ولی از نظر خود من تعدد انجمن‌های صنفی و اجتماعی هیچ اشکالی ندارد.

○ یکی از داغ‌ترین بحث‌هایی که این روزها بین روزنامه‌نگاران مطرح است، حضور مری و نامریی مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز در انجمن‌های صنفی مطبوعاتی‌هاست، شما این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ قانون صریحاً اجتماع صاحب‌کار را در تشکیلات کارگری رد می‌کند. صاحب امتیاز یا مدیرمسئول که مقامات آن را به عنوان سرمایه‌گذار یا مدیر می‌شناسند، قانوناً به هیچ شکلی نمی‌تواند در انجمنی که نویسندگان و خبرنگاران تشکیل داده‌اند، عضو شود، اگر غیر از این باشد، نقض غرض است. انجمن صنفی در درجه اول باید از حقوق اعضایش در برابر کارفرما دفاع کند. در این مورد کارگر، نویسنده و خبرنگار محسوب می‌شود و کارفرما کسی است که روزنامه را تأسیس کرده است. او مسؤول سود و زیان مؤسسه است و کسی که کار می‌کند، در برابر دستمزد معینی این کار را



■ غلامحسین صالحیار

روزنامه‌نگار قدیمی؛ ممکن است یک انجمن صنفی متحد و واحد وجود داشته باشد و بتواند فراگیر شود، ولی تعدد انجمن‌های صنفی هیچ اشکالی ندارد.

انجام می‌دهد. بنابراین بین منافع اساسی این دو قشر همیشه تضاد وجود دارد. یک کارفرما نمی‌تواند عضو انجمنی باشد که پیگیر بالا بردن دستمزد، کنترل ساعات کار، بیمه و مسایل این چنینی است. چون همه آنها به حساب کارفرما انجام می‌شود. گرچه در نهایت اینها اعضای یک نشریه هستند اما واقعیت این است که هر چقدر از میزان سود نشریه‌ای به کارگران اختصاص داده شود، به کارفرما کمتر می‌رسد و عکس این موضوع هم صادق است.

در مورد این انجمن صنفی جدید هم، مشکل همین بود که طبق آنچه تا روز مجمع عمومی منعکس شده بود، تقریباً کارفرمایان - مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز - در این کار پیشقدم شده بودند و طبیعی بود که این مسأله نمی‌توانست اعضای تحریریه‌ها را جذب کند. دست‌اندرکاران در روز مجمع عمومی متوجه این مسأله شدند و اعلام کردند که صاحبان امتیاز نمی‌توانند در

هیأت‌مدیره شرکت کنند و مدیران به عنوان هیأت مؤسس مطرح هستند. همین ابهام باعث شد نتیجه مطلوبی که مورد نظر یک انجمن فراگیر است، از این مجمع به دست نیامد.

بیشترین رأیی که در اولین جلسه به دست آمد، ۲۷۰ رأی بود - فراموش نکنیم که تنها در تهران بین ده تا دوازده هزار نفر از طریق مطبوعات زندگی می‌کنند. با همه اینها سندیکای ما از تشکیل این انجمن اظهار خوشنودی کرد. ما از تشکیل هر نوع انجمن و سازمان صنفی مثل تولد هر نشریه جدید استقبال می‌کنیم و آن را قدمی برای پیشرفت مطبوعات تلقی می‌کنیم.

○ آینده تعدد شکل‌های صنفی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ به نظر من به تناسب زیاد شدن نشریات، تعداد انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های صنفی - چه تخصصی و چه عمومی - افزایش پیدا خواهد کرد. چنانچه بعد از تشکیل انجمن صنفی مطبوعات، شکل دیگری مطرح شد که با نام انجمن صنفی خبرنگاران آزاد موجودیت خود را اعلام کرد؛ خیلی از مطبوعاتی‌ها که به خاطر دستمزدهای پایین یا دلایل دیگر در هیچ مؤسسه‌ای به طور ثابت کار نمی‌کنند، با این نگرانی که آینده شغلی ندارند، بیمه نیستند و در تأمین حداقل زندگی دچار مشکل هستند. جمع شدند و انجمن صنفی خبرنگاران آزاد را شکل دادند. با توجه به اینکه قانون منعی برای تشکیل انجمن صنفی ندارد، مطبوعاتی‌ها می‌توانند شکل‌های مختلف تشکیل دهند. جریان‌های دیگری هم با شکل گرفته - مثل انجمن ورزشی نویسان - یا در حال شکل گرفتن است.

باید از این انجمن‌ها استقبال کرد. اینها سرانجام می‌توانند در کنفدراسیون واحد اجتماع کنند. هدف یکی است: «بالا بردن رفاه اقتصادی، دفاع از حقوق صنفی همزمان با بالا بردن حیثیت و اعتبار اجتماعی».

○ به نظر شما، شکل‌های صنفی باید برای حل کدام مشکلات اساسی مطبوعات بسج شوند؟

□ الان آنچه که بیش از هر چیز برای مطبوعات ما اهمیت دارد، تعیین یک حداقل دستمزد برای کار مطبوعاتی و طبقه‌بندی آن است. در حال حاضر و با تورم موجود، گذران زندگی با حقوق مطبوعاتی خیلی مشکل است.

تأمین شغلی مسأله دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ کمتر خبرنگار یا روزنامه‌نگاری است که از این جهت خیالش راحت باشد و بداند کارفرما هر موقع دلش بخواهد نمی‌تواند او را اخراج کند.

ایجاد صندوق بیکاری هم می‌تواند مشکلات زمان بیکاری را تا حدودی حل کند. از دیگر وظایف انجمن صنفی این است که راه‌های بالابردن تیراژ و کسب درآمد کافی را بررسی کند تا مؤسسه بتواند خرج و دخل کند و به مسائل صنفی برسد.

بنابراین بالا بردن کیفیت مطبوعات، دفاع از آزادی مطبوعات به طور غیرمستقیم، بالا بردن حیثیت اجتماعی روزنامه‌نگار، ایجاد تسهیلات برای کارخبرگیری و مکلف کردن دولت برای تأمین منابع مورد نیاز، موظف کردن روابط عمومی‌ها برای دادن اخبار صحیح در حیطه کار انجمن‌های صنفی قرار می‌گیرد؛ انجمن‌های صنفی وظایف خیلی سنگینی برعهده دارند.

ضرورت وجود نظام مطبوعاتی

○ آقای صالحیار به نظر شما آنچه که می‌تواند همه اعضای جامعه مطبوعات را در جهتی مشخص و برنامه‌ریزی شده به حرکت در آورد، چیست؟ البته منظورم جهت سیاسی نیست، بلکه بحث بر سر اصول کلی و حرفه‌ای قابل قبول برای همه است.

□ به اعتقاد من، این مسایل را در نهایت «نظام مطبوعاتی» می‌تواند حل می‌کند مثل نظام پزشکی یا کانون وکلا؛ نظام پزشکی بدون احتیاج به دخالت دولت بسیاری از مسایل جامعه پزشکی را حل می‌کند و از مرزها و حیثیت این حرفه پاسداری می‌کند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و مدیران می‌توانند گرد هم بیایند و چارچوب این نظام را تعیین کنند. همه کارهای مطبوعاتی می‌تواند از این طریق ضابطه‌مند شود؛ از مرحله صدور امتیاز تا استخدام و حتی صدور کارت خبرنگاری می‌تواند در این چارچوب انجام شود. آنچه که در مورد نظام صنفی اهمیت دارد، این است که می‌تواند بسیاری از مشکلات مملکت را حل کند. انجمن‌های صنفی به تنهایی قادر نیستند این کار را انجام دهند و از عهده همه مسایل بر بیایند. مجمع اتحاد یکپارچه مطبوعات می‌تواند نظام صنفی را شکل دهد.

سیدحسین حسینی، قائم مقام مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه نگار باید حدود و حقوق خود را

به درستی بشناسد



■ انجمن باید در عمل نشان

دهد که بلندگوی گروه یا

جناح خاصی نیست.

جدی بکند و در مورد مشابه، سکوت را ترجیح بدهد.

۲. متأسفانه روزنامه نگار ایرانی، «حدود و حقوق» خود را به درستی نمی‌شناسد. افراط و تفریط در هر دو زمینه، همیشه مشکل زا بوده است. اگر انجمن صنفی روزنامه نگاران بتواند در این زمینه گره‌گشا باشد، کار عمده‌ای را به انجام رسانده است.

۳. اگر مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز مطبوعات هم درست مثل بقیه، یک حق رأی داشته باشند و مثل «تافته جدا بافته» با آنها برخورد نشود و در برخی جوسازی‌های محتمل و نه چندان دور از ذهن، شرایط و حقوق ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفته نشود، عضویت آنها چیزی را تغییر نمی‌دهد. در غیراین صورت انجمن، یک تشکیلات یک‌سویه خواهد شد و تدریجاً به ابزاری برای سوءاستفاده‌های سیاسی - تبلیغاتی مبدل می‌شود.

سوءاستفاده از عناوین و جایگاه اعتباری انجمن مطبوعات برای مصارف شخصی و گروهی، اگر چه ممکن است در برخی موارد، کارآمد هم باشد ولی در مجموع باعث درهم شکستن اعتبار و جامعیت فراگیری انجمن می‌شود. به نظر می‌رسد که انجمن و به ویژه اعضای هیأت‌مدیره لازم است در این قبیل موارد، صریحاً با سوءاستفاده از عناوین و جایگاه اعتباری انجمن مقابله و علیه آن موضع‌گیری صریح و مؤثری را داشته باشند وگرنه این قبیل سوءاستفاده‌ها، «باب» می‌شود.

برای آنکه انجمن صنفی روزنامه نگاران، بتواند «فراگیر» باشد «سیدحسین حسینی» قائم مقام مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است که انجمن، باید در عمل نشان دهد که بلندگوی گروه یا جناح خاصی نیست. زیرا افتادن در دامان این یا آن گروه، با «هویت فراجناحی» مغایرت دارد.

۱. انجمن صنفی روزنامه نگاران، یک تشکل جدیدالاحداث است که به برکت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده و به همین دلیل، در درجه اول بایستی «یک تشکل جوشیده از متن انقلاب» تلقی شود. همچنین تعریف، ویژگی‌های خاصی را برای انجمن صنفی روزنامه نگاران به همراه دارد که طبعاً بایستی حق‌گرا، حافظ منافع ملت، مدافع ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، پاسدار حریم اندیشه و زبان‌گویای مطبوعات کشور باشد، طبعاً برای آنکه انجمن بتواند فراگیر باشد، بایستی در عمل نشان دهد که بلندگوی گروه یا جناح خاصی نیست و هرگز در موضع‌گیری‌های خود، «برخورد گزینشی» نخواهد کرد، حق را می‌گوید و علیه موضع نادرست، برخورد روشن و قاطعی دارد و در این زمینه «هویت فراجناحی» خود را حفظ می‌کند. افتادن در دامان این یا آن گروه، با «هویت فراجناحی» مغایرت دارد و به فراگیری انجمن صنفی مطبوعات لطمه می‌زند و جامعیت آن را به زیرسؤال می‌برد.

عقل و منطق ایجاب می‌کند که انجمن به چماقی علیه این و آن تبدیل نشود و اینگونه نباشد که در یک مورد، پرخاش و برخورد

○ ممکن است توضیح دقیق‌تری بدهید.

□ بسینیدا انجام بعضی کارها برای خود دولت هم دست و پاگیر است: صدور امتیاز، صدور کارت، تعیین ضوابط تخلفات و رسیدگی به این تخلفات، تعیین مجازات‌ها، مسایل اخراج و... همه اینها باید توسط نظام مطبوعات ضابطه‌مند شود و این کار دولت را هم از سلسله مسایل و مشکلاتی مشخص راحت می‌کند. نظام مطبوعاتی فراگیر مؤثر می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها ما را از دادگاه بی‌نیاز کند. نظام مطبوعاتی، مجموعه‌ای است که همه مطبوعات را در برمی‌گیرد. مجموعه همه مطبوعات امکان آن را شکل می‌دهند و در انتخابات شرکت می‌کنند و این مجموعه بهتر می‌تواند تعیین کند که چه کسانی صلاحیت انتشار روزنامه را دارند، یا چه کسانی شایسته دریافت کارت خبرنگاری هستند. این نظام خیلی بهتر از یک دادگاه می‌تواند موارد اختلاف را درک کند؛ جرائمی که ممکن است توسط مطبوعات انجام شود یا عمومی است یا مطبوعاتی. در زمینه جرائم عمومی که همه موارد در قانون پیش‌بینی شده و مجازات آن هم معلوم است.

اما در زمینه جرایم مطبوعاتی، این نظام مطبوعاتی است که می‌تواند تصمیم بگیرد. اگر روزنامه‌ای در زمان جنگ برنامه‌های نظامی و حرکات ارتش را منعکس کند، قوانین مملکتی مجازات او را مشخص کرده است. یا اگر نشریه‌ای از نظر اخلاقی مثلاً عکس نامناسبی را منتشر کند، باز در قوانین کیفری، این مسأله پیش‌بینی شده، اما اگر خبری منتشر شد که مورد تکذیب قرار گرفت. نظام مطبوعاتی می‌تواند آن را بررسی کند مثل نظام پزشکی؛ اگر پزشکی عمداً مرتکب جرمی شده باشد، در دادگاه محاکمه می‌شود و اگر غفلت بکند، یا داروخانه‌ای بدون نسخه دارویی تجویز کند و یا دندانپزشکی به جای پرکردن دندان به فک بیمار آسیب برساند، نظام پزشکی به آن رسیدگی می‌کند، خوب نظام مطبوعاتی هم می‌تواند مسائل مشابهی داشته باشد.

خلاصه اینکه نظام مطبوعاتی می‌تواند سیستمی را پیاده کند که هم از اتلاف وقت دستگاه‌های دولتی جلوگیری شود و هم مطبوعات خود تصمیم‌گیرنده باشند؛ مسایل مطبوعاتی را خود مطبوعات بهتر می‌توانند حل کنند. □

مرتضی لطفی نایب رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران:

انجمن صنفی پلی است

بین دو نسل روزنامه‌نگاری در ایران



■ انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تلاش خواهد کرد با حرکت در جهت تأمین منافع اعضا، انگیزه حضور همکاران دیگر را در این انجمن فراهم کند.

■ تعدد تشکلهای هم منافاتی با

اهداف کلی ندارد. ولی قطعاً اگر

امکانی فراهم شود که همه زیر یک

سقف و در قالب یک تشکل فعالیت

کنند، در دستیابی به حقوق حقه

خودشان موفق‌تر عمل خواهند کرد.

جامعه هستند و به عنوان نیروهای تأثیرگذار در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شناخته می‌شوند، دارای تشکل شوند. احساس ما این بود که با جمع شدن این نیروها در زیر یک سقف، امکان دستیابی سریع‌تر به اهداف به وجود می‌آید. مضاف براینکه در دیدار جامعه مطبوعات با مقام معظم رهبری، ایشان تصریح داشتند که اگر جامعه مطبوعات دارای تشکیلات شود، در زمینه‌های مختلف کارساز خواهد شد.

بعد از وقوع انقلاب مشروطیت، این انقلاب تأثیر بسیاری در جامعه مطبوعات گذاشت و مهمترین تأثیرش هم این بود که دست‌اندرکاران آن زمان مطبوعات به فکر افتادند که تشکلی را شکل دهند و به این ترتیب اولین تفکر گروهی برای ایجاد تشکل در مطبوعات آن زمان شکل گرفت. به این ترتیب از حدود سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲، بیشتر از سه تشکل رسمی وجود نداشت، و اصولاً با بررسی تاریخچه‌افت و خیزهایی که مطبوعات داشت، می‌توان نتیجه گرفت که اصولاً مطبوعات ما در زمانی که دستگاه حاکمه رشد داشتند، در حال تضعیف بودند و از شرایط پویایی برخوردار نبودند. بهرحال با این انگیزه که این تشکل پل ارتباطی باشد بین نسل قبل از انقلاب و نسل حاضر، به تشکل این انجمن

«انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، تشکل صنفی نوپایی است که اساسنامه آن در ۲۳ ماده و ۲۶ تبصره در نهم مهرماه سال ۱۳۷۶ در اولین مجمع عمومی به تصویب رسید. اعضای هیأت مؤسس این انجمن مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز بعضی نشریات کشور بودند (مسیح مسهاجرى، سیدمحمد صنفی‌زاده، سیدمرتضی نبوی، سید محمود دهایی، حسین شریعتمداری و علی ربیعی) ولی پس از مجمع عمومی و تعیین اعضای هیأت‌مدیره، به گفته دست‌اندرکاران انجمن، کار هیأت مؤسس به پایان رسید و کار به هیأت مدیره سپرده شد.

مرتضی لطفی - نایب‌رئیس هیأت‌مدیره انجمن و سردبیر روزنامه کاروکارگر - و علی ربیعی - صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامه کاروکارگر و عضو هیأت مؤسس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران - در گفت‌وگو با خبرنگار ما پرسش‌های وی را پاسخ گفته‌اند.

قدم‌های اول

گفت‌وگو را با مرتضی لطفی از گام‌های اول

آغاز می‌کنیم:

○ آقای لطفی از دیدگاه شما، چه انگیزه‌ای باعث شکل‌گیری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران شد؟

□ اصولاً در همه جوامع، اقشار مختلف برای اینکه بتوانند به اهداف اصلی خود دست پیدا کنند، به دنبال تشکیل یک تشکل هستند. ما هم در حدود دو سه سال پیش به این فکر افتادیم تا جامعه مطبوعاتی ما که از نخبگان

اقدام شد. همچنین به دلیل اینکه مطبوعات ما هرگز نتوانسته بودند شأن و جایگاه واقعی خود را در بین مخاطبان پیدا کنند، فکر کردیم این تشکل می‌تواند این خلاء را پر کند. و عامل خوبی برای دفاع از مسایل معنوی و مادی دست‌اندرکاران مطبوعات باشد.

به این ترتیب از دوستان صاحب‌نظر برای تدوین اساسنامه استفاده کردیم. بعد موافقی را احساس کردیم که مدیران محترم جراید کمک کردند تا بتوانیم موضوع انجمن را جا بیندازیم. برخی مدیران خود دست‌اندرکار بودند و بقیه هم توجه شدند که انجمن چه نتایج می‌تواند به همراه داشته باشد.

○ از نظر زمانی، چقدر طول کشید تا انجمن تشکیل شود؟

□ از زمانی که فکر تشکیل انجمن مطرح شد تا اولین جلسه مجمع عمومی، حدود دو سال طول کشید و خوشبختانه ما توانستیم اولین مجمع را در مهرماه سال جاری - ۷۶ - با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر از همکاران تشکیل بدهیم و اولین اعضای هیأت‌مدیره را اعضای انجمن انتخاب کردند. بعد از گذراندن مراحل قانونی، تشکل تصویب شد و اعضای هیأت‌مدیره رسماً کار خود را آغاز کردند.

○ در چه تاریخی، انجمن کار خود را رسماً آغاز کرد؟

□ فکر کنم ۲۳ آذرماه ۷۶.

○ این سؤال را با توجه به نگرانی بسیاری از روزنامه‌نگاران که با ما طرف صحبت بودند، می‌پرسم: اعضای هیأت مؤسس - مدیران - در این میان چه نقشی داشتند؟

□ عملاً بعد از انجام اولین مجمع، اعضای مؤسس هیچ‌گونه دخالتی در روند کار نداشتند. از نظرات هیأت مؤسس برای تدوین اساسنامه استفاده کردیم.

○ چه کسانی در تدوین اساسنامه حضور داشتند؟

□ آقای عرب سرخی (روزنامه سلام)، آقای حقدوست (جمهوری اسلامی)، آقای حاجی که الان وزیر تعاون هستند و من از روزنامه کاروکارگر، البته در کمیته برگزاری، نماینده همه جراید بودند.

○ در مورد تصویب اساسنامه، سؤالاتی در بین مطبوعاتی‌ها وجود داشت، ممکن است در این زمینه توضیحاتی بدهید.

□ براساس قوانین، یک نوبت برای

محمد سلطانیفر مدیرمسئول و صاحب امتیاز روزنامه ایران نیوز

عدم تأمین مالی و شغلی مهمترین مشکل روزنامه نگاران

■ روزنامه نگار اگر
تأمین باشد هم غیرقابل
خرید و فروش می شود
هم بدون دغدغه خاطر
قلم می زنند.



خبرگزاری و صداوسیما، عدم همکاری روابط عمومی مراکز با روزنامه نگار و عدم تخصص روزنامه نگاران در سرویس هایی که مشغول به فعالیت هستند می باشد. با توجه به این مسائل به نظر می رسد این انجمن نکات فوق الذکر را مدنظر قرار داده و با جلب توجه مسئولان به این قشر و یا راه اندازی صندوق های قرض الحسنه و یا تعاونی مسکن و... نیازهای این گروه را رفع نماید تا روزنامه نگار با تأمین بودن، غیرقابل خریداری از طرف مراکز مختلف باشد و بدون دغدغه خاطر قلم بزند. کمالینکه در سایر کشورهای دنیا روزنامه نگاران از موقعیت اجتماعی بالا برخوردارند و صرفاً در این حرفه فعالیت می کنند. با تمام این اوصاف، اگر از بنده پرسیده شود کدام مشکل از همه عمده تر است می گویم وجود مطبوعات دولتی و تفکر دولتی حاکم بر مطبوعات ما، ضعف عمده و مشکل اساسی مطبوعات کشور ما است که قدرت هرگونه رقابت سالم را از مطبوعات می گیرد؛ چرا که مطبوعات دولتی از آنجا که دغدغه تیراژ و تأمین مالی و دغدغه های جذب مخاطب را ندارند هیچ به فکر ارضای نیازهای آنان نیستند و حرف خود را به عنوان وحی منزل به مخاطبان خود می دهند و چون سدی در مقابل مطبوعات خصوصی هستند. این مطبوعات خصوصی نمی توانند با آنها به رقابت برخیزند و در واقع آنان به فکر افکار عمومی نیستند که نیازهای آنان را برطرف کنند.

۳. اگر صرفاً به عنوان یک عضو و در واقع به نوعی خبرنگار و... حضور یابند بله ولی در صورتی که عضویت آنها، زمینه ای برای اعمال نظر و عقیده باشد خیر.

«محمد سلطانیفر» مدیرمسئول و صاحب امتیاز روزنامه ایران نیوز، وجود مطبوعات دولتی و تفکر دولتی حاکم بر مطبوعات را، ضعف عمده و مشکل اساسی مطبوعات کشور می داند و معتقد است مطبوعات دولتی، به فکر ارضای نیازهای افکار عمومی نیستند و چون سدی در مقابل مطبوعات خصوصی می باشند.

۱. انجمن صنفی در درجه اول، باید متشکل از افرادی باشد که از بطن مطبوعات برخاسته باشد و در واقع با مصایب و تنگناهای موجود در این حرفه آشنا باشد. هیأت مدیره، بیشتر طرفدار قشر روزنامه نگار باشد تا مسئولان. از شعار دادن و درگیر شدن در مسائل حاشیه ای بپرهیزد. برخورد قاطع با روزنامه نگاران متخلف داشته باشد و در مقابل از روزنامه نگاران صادق حمایت نماید. وابستگی به جریان و خط سیاسی خاص نداشته باشد و در واقع مستقل عمل کند و بالاخره از آنجا که دنیای امروزی، دنیای ارتباطات، اطلاعات و اخبار است زمینه های لازم را برای رشد و تعالی جامعه روزنامه نگار فراهم آورده و زمینه رسیدن به روزنامه نگاری حرفه ای را در کشور فراهم آورد.

۲. امروزه، مهمترین مشکل صنفی خبرنگاران ایران عدم امنیت مالی و شغلی آنهاست و از آنجایی که همواره تأکید بر اخلاق روزنامه نگاری می باشد لذا این امر متحقق نمی شود مگر با توجه به دو نکته فوق. از موارد دیگر، مشخص و روشن نبودن جایگاه اصلی این حرفه و شاغلان آن در جامعه، عدم اطلاع رسانی مناسب از سوی ادارات، نهادها، سازمانها و صرف توجه این مراکز به

تصویب کلیات اساسنامه پیش بینی شده است که ما هم کلیات اساسنامه را در مجمع اول تصویب کردیم و با توجه به اینکه مفاد اساسنامه، قبل از برگزاری مجمع در روزنامه ها چاپ شد، عده ای هم که حضور پیدا کردند، با آگاهی کلیات را تصویب کردند، بنابراین اعتراضی اگر باشد، قانونی نیست.

علاوه بر این ما از همه صاحب نظران به خصوص اعضای جامعه مطبوعات درخواست کرده ایم که نظرات خود را در ارتباط با اساسنامه به آدرس دبیرخانه انجمن بفرستند تا در دومین مجمع، نظرات همکاران بررسی شود.

○ آقای لطفی! یکی از مشکلات اساسی جامعه ما، فراگیر نبودن تشکلهای صنفی است، برای گسترش انجمن صنفی و فراگیر شدن آن چه فکری کرده اید؟

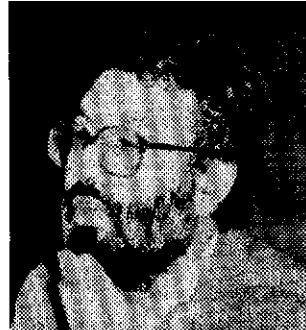
□ این بحث در هیأت مدیره مطرح شده و نتیجه گیری همه این بوده که همکاران مطبوعاتی باید نسبت به انجمن، وظایف و کارکردهای آن شناخت پیدا کنند. ما همه، این نظر را داریم که برنامه ریزی ها به شکلی باشد که حضور همه ارباب جراید در این انجمن فراهم شود. بر همین اساس اعضای هیأت مدیره با حضور در بعضی جراید و مجامع از هر فرصتی برای شناساندن انجمن به همکاران مطبوعاتی و پاسخ گویی به سوالات آنان استفاده می کنند. حتی ما زمان عضویت اعضای هیأت مدیره را به یک سال تقلیل داده ایم تا امکان مشارکت و فعالیت هر چه بیشتر همکاران مطبوعاتی در انجمن فراهم شود.

به هر تقدیر این اولین تلاش است که در این جهت صورت می گیرد و پایداری و استمرارش نیاز به مشارکت همه همکاران دارد. انجمن تلاش خواهد کرد با حرکت در جهت تأمین منافع اعضا، انگیزه حضور همکاران دیگر را در این انجمن فراهم کند.

○ به اعتقاد شما، اولین وظیفه انجمن چیست؟

□ نظر شخصی من این است که ما باید ابتدا جایگاه اصولی روزنامه نگاری را تعریف کنیم و به شأن و جایگاه واقعی روزنامه نگاری دست پیدا کنیم. متأسفانه ما تعریف درستی از روزنامه نگاری حرفه ای نداریم و دغدغه عدم امنیت شغلی باعث شده که بسیاری از این حرفه دور شوند.

در حال حاضر کم هستند کسانی که شغل اصلی آنها روزنامه نگاری است؛ یا اینکه



■ علی ربیعی عضو هیأت مؤسس انجمن: بعد از تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به نظر من گام بعدی اقدام برای تشکیل انجمن صنفی مدیران مطبوعات است.

بسیاری از روزنامه‌نگاران چند شغله هستند. باید این مشکلات نیز برای روزنامه‌نگاران حل شود. انجمن باید در بخش آموزش هم فعال باشد همچنین در جهت حفظ حقوق روزنامه‌نگاران.

○ حتماً می‌دانید که انجمن‌های صنفی متعددی وجود دارند و باز هم به وجود خواهند آمد، تعدد این تشکلات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ اصولاً تجربه ثابت کرده است که در ارتباط با یک صنف وجود یک تشکل برای دستیابی سریع‌تر به اهداف بهتر است اما به نظر من تعدد تشکلات هم منافاتی با اهداف کلی ندارد. قانون حیطة کار تشکلات را تعیین می‌کند و طبق آئین‌نامه‌های مشخصی، تشکیل انجمن‌ها شکل می‌گیرد و طبق قانون فعالیت انجام می‌شود ولی قطعاً اگر امکانی فراهم شود که همه زیر یک سقف و در قالب یک تشکل فعالیت کنند، در دستیابی به حقوق حقه خودشان موفق‌تر عمل خواهند کرد.

○ حرف ناگفته‌ای اگر هست...؟

□ ما از همه همکاران مطبوعاتی می‌خواهیم که با عضویت در این انجمن در انجام وظایف انجمن ما را یاری کنند و با مشارکت خود امکان فعالیت بهتر و موفق‌تر را برای این انجمن فراهم سازند. ما به همفکری و همراهی همه عزیزان جامعه مطبوعات نیاز داریم.

انگیزه شکل‌گیری انجمن

گفت‌وگو با علی ربیعی - صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامه کاروکارگر که عضو هیأت مؤسس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز هست - را با انگیزه شکل‌گیری انجمن شروع می‌کنیم:

○ از چگونگی تشکیل انجمن بگوئید.

□ این فکر که مجموعه مطبوعاتی‌ها در کشور، از تشکلی برخوردار شوند، دو سال پیش ایجاد شد و انگیزه آن هم، صحبت مقام معظم رهبری در جمع مطبوعاتی‌ها بود و تأکید ایشان که بهتر است مجموعه مطبوعات هم تشکل داشته باشند. با توجه به نقشی که مدیران مسؤول می‌توانستند در تسریع تشکیل این انجمن ایفا کنند، این فکر مطرح شد و حدود دو سال مقدمات آن طول کشید.

○ آقای ربیعی! چه ضرورت‌هایی باعث تشکیل این انجمن شد؟

در هر قشری از اجتماع، مجموعه افرادی که با تعلقات خاص و گرایشات ویژه به حرفه مشترکی مشغولند، وجوه اشتراکی پیدا می‌کنند، مسایل مشترکی دارند و به‌طور طبیعی این نیاز شکل می‌گیرد که درباره این مسایل مشترک که نوع کار آنها برایشان ایجاد کرده، در مجموعه‌ای به بحث و بررسی بنشینند و به پاسخی برسند و به همین دلیل ضرورت پیدا می‌کند که هر یک از اقشار جامعه تشکلی داشته باشند؛ در واقع تشکل، نیاز زندگی اجتماعی امروز ماست.

متأسفانه تاکنون به دلایل متعدد جامعه مطبوعاتی ما نتوانسته بود تشکل مناسبی پیدا کند. اصولاً شاید در زیر یک سقف کار مشترک نکردن و پراکندگی و دوری، یکی از دلایل بوده است. عدم جا افتادن درست روزنامه‌نگاری به عنوان یک شغل پراهمیت در جامعه نیز از دلایل این امر بوده؛ در برخی جوامع، روزنامه‌نگاران افرادی تأثیرگذار و برجسته در روند عمومی سیاسی کشور هستند.

متأسفانه به علت اینکه مطبوعات ما در زمان رژیم پهلوی به واسطه عناصر شناخته شده رژیم منتشر می‌شدند - نگاهی به روزنامه‌های بزرگ آن زمان مشخص می‌کند که این روزنامه از سوی سناتورهای یا افراد نزدیک به دربار تأسیس می‌شد - روزنامه‌های شبه روشنفکری هم به نوعی آبشخور محافل فرح دینا بودند، تلقی درستی از مطبوعات در ذهن مردم نبود. البته اصلاً قصد ندارم کار زحمتکشانشان مطبوعات قبل از انقلاب را تخطئه کنم فقط می‌خواهم بگویم که این تلقی چگونه به وجود آمده است.

مجموعه آنچه گفتم سابقه ذهنی بدی ایجاد کرده بود و به پراکندگی نیروها هم کمک می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم به

دلیل درگیری‌های حول انقلاب، چند سال اول زمان مناسبی برای رفتن به سوی مسایل صنفی نبود. بعد که فرصتی پیش آمد، اختلاف سلیقه‌های سیاسی جناحی، فضای مناسبی را ایجاد نکرده بود که روزنامه‌نگاران دور هم جمع شوند و علی‌رغم اینکه مطبوعاتی‌ها از بالغ‌ترین افراد هستند، به لحاظ سابقه تاریخی، تشکل صنفی همیشه با مشکلاتی همراه بود. در دوران پس از جنگ همه اقشار به سمت ایجاد تشکل رفتند ولی باز جامعه مطبوعاتی از تشکلی بهره‌مند نبود. در سال‌های اخیر مطبوعات ما نقش بی‌نظیری در فرایند سیاسی کشور داشتند و به حق باید به مشکلاتشان رسیدگی می‌شد.

قطعاً این قشر نیازهایی دارد که یک انجمن متمرکز برآمده از افراد این صنف، می‌تواند به بررسی این مسایل بپردازد و آنها را درک کند. انجمن می‌تواند در بهبود شرایط زندگی او مؤثر باشد و حتی از جهت آموزشی به او کمک کند؛ در بهبود روابط انسانی درون جامعه مطبوعاتی کوشا باشد؛ در تنظیم رابطه مناسب بین افراد درون جامعه به مدیران کمک کند؛ در انتقال نیازها و خواسته‌های جامعه مطبوعاتی به نهادهای بیرونی و جذب امکانات از نهادها به جامعه مطبوعاتی تلاش کند؛ و همه آنچه گفته شد، ضرورت ایجاد تشکل صنفی روزنامه‌نگاران بود.

○ بعضی از روزنامه‌نگاران معتقدند که

حلال مشکلات فعلی مطبوعات، وجود نظام مطبوعاتی است، شما در این زمینه چه نظری دارید؟

□ بعد از تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به نظر من گام بعدی تشکیل انجمن صنفی مدیران مطبوعات است که اگر این انجمن هم بتواند تشکیل شود، - البته با اکثریت خوبی مثل انجمن صنفی خبرنگاران - این دو در تعامل با هم می‌توانند نظامنامه مطبوعات را تنظیم کنند. من حتی معتقدم مثلاً صدور کارت خبرنگاری ربطی به ارشاد نداشته باشد. نظام‌های صنفی باید متولی امور صنف خود باشند و بسیاری از کارها را انجام دهند.

باید اضافه کنم که انجمن‌های صنفی باید فارغ از دیدگاه‌های سیاسی کار را جلو ببرند؛ کار سیاسی آفت کار تشکلیاتی است.

نظام مطبوعاتی می‌تواند جایگاه مطبوعات را در نظام تعریف کند و به این ترتیب مطبوعات هویت مستقل‌تر و

شکرخواه دبیر سرویس خارجی روزنامه کیهان

انجمن صنفی باید حوزه گفت‌وگو را بیافریند

■ انتظاری که از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌رود این است: تدوین مقرراتی که به چالش‌های بحث پرتضاد روزنامه‌نگار و نهاد رسانه‌ای او - که بستر عدم امنیت شغلی است - خاتمه دهد.



راحتی قابل حل است، اشتباه می‌کنید، به چند دلیل:

اول اینکه، نه اینجا و نه هیچ کجای دیگر هیچ‌کس نتوانسته است تضاد اندیشه‌های فردی و اندیشه‌های سازمانی، و در بحث ما تضاد روزنامه‌نگار و نهاد رسانه‌ای او را حل کند. خیلی وقت‌ها، شما نظراتی دارید که نهاد رسانه‌ای شما ندارد و از آنجایی که مدیرمسئول در نهادهای رسانه‌ای، مسؤول مشی رسانه است، شما در نهایت می‌توانید استعفا بدهید.

فقط و فقط در ارگان‌های حزبی چنین تضادی نیست.

دوم اینکه، اگر بپذیرید که روزنامه‌نگاری، قبل از آنکه یک حرفه باشد یک وظیفه است و وظیفه نیز از دیدگاه ما مسلمانان، نه معطوف به نتیجه، که متمرکز و متکلف به انجام است، آن وقت خواهید پذیرفت که حقیقت جویی و آگاهی‌بخشی به مثابه روح روزنامه‌نگاری، چندان حریم امن و امنیت برداری نیست.

سوم اینکه، از آنجایی که ممکن است باورهای درونی افراد در مواردی عدید با باورهای اجتماعی حاکم در تضاد باشد، و این تضاد هم ممکن است به کشمکش بینجامد، انسان‌ها به وضع قوانین پرداخته‌اند تا از برخوردهای احتمالی جلوگیری کنند. آیا ما در قبال تضادهای روزنامه‌نگار و نهاد رسانه‌ای او چنین قوانینی داریم؟ اجازه بدهید صریح‌تر عرض کنم. عدم امنیت شغلی، تا زمانی که ما تضادهای روزنامه‌نگار و نهاد رسانه‌ای او را شفاف نکرده و مکانیزم‌های حل منطقی آنها را فراهم نکرده باشیم، مثل سایه با ما خواهد آمد.

«یونس شکرخواه» دبیر سرویس خارجی روزنامه کیهان، گستردگی میزان عضویت را اولین اصل فراگیری انجمن می‌داند و عقیده دارد که اعضای انجمن باید حس کنند واقعاً عضو انجمن هستند و نه موضوع انجمن. این احساس عضویت هم به مدد اهداف روشن به دست می‌آید.

۱. علی‌القاعده، اولین اصل فراگیری برای هر انجمن صنفی، گستردگی میزان عضویت در آن است. میزان عضویت هم در گروهی مشروعیت انجمن است. بنابراین، مشروعیت هسته فراگیری را تشکیل می‌دهد. این مشروعیت، هنگامی حاصل می‌آید که اعضای انجمن حس کنند واقعاً عضو انجمن هستند و نه موضوع انجمن. این احساس عضویت هم به دست نمی‌آید مگر به مدد اهداف روشن. اگر اهداف روشن باشند، روزنامه‌نگاران خودشان گرد آن خیمه خواهند زد و فراگیری تحقق می‌یابد. این اهداف روشن به اعضای انجمن کمک می‌کند تا نه متمم آن، بلکه به مبانی آن تبدیل شوند.

و بالاخره انجمن که شکل گرفت مثل هر رسانه‌ای که دو کارکرد بنیادین دارد، باید معطوف به اهدافی موازی و دوگانه باشد: حوزه گفت‌وگو را بیافریند و برای اعضا، اطلاع‌رسان باشد. امیدوارم که کار به جایی برسد تا انجمن بتواند برای حرفه روزنامه‌نگاری به‌مثابه یک شغل دارای شأن اجتماعی، اهداف، اصول و قراردادهایی هم تنظیم کند.

۲. امنیت شغلی. اما اگر خیال می‌کنید به

تعریف‌شده‌تری می‌یابند. حتی در مسایلی که وفاق عمومی وجود دارد - مثل قانون اساسی، یا قوانین کشور یا آرمان‌های انقلاب - خود نظام مطبوعاتی می‌تواند حافظ این وفاق باشد و حریم مطبوعات را خودش حفظ کند.

اگر ما یک نظام مطبوعاتی سالم داشته باشیم، خود این نظام با مسایلی جامعه مطبوعاتی برخورد می‌کند و می‌تواند از اخلاق، آرمان‌ها و قانون اساسی حفاظت کند و این خیلی فرق می‌کند با اینکه دولت از بیرون بخواهد با این مسایل برخورد کند. یک روی این سکه این است که مطبوعات می‌توانند خود حافظ حریم اخلاق باشند و روی دیگر سکه این است که آنها حافظ آزادی‌های قلم، استقلال و حریت‌های مطبوعات باشند.

○ آقای ریعی، یکی از ایرادهایی که به انجمن صنفی روزنامه‌نگاران گرفته می‌شود، این است که عده‌ای آن را انجمنی آماده شده از سوی مدیران مطبوعات می‌دانند و معتقدند که چنین انجمنی در پاسخ‌گویی به نیازهای روزنامه‌نگاران با مشکل مواجه خواهد شد. نظر شما به عنوان مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز و همچنین عضو هیأت مؤسس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران چیست؟

□ این بیشتر مشکل دیدگاه آدم‌هاست که اگر بخواهند با نگاه کارگری، کارفرمایی به این مسایل نگاه کنند، مشکل پیدا می‌کند؛ آثار و نتایج مجمع عمومی انجمن نشان داد که هیچ مدیرمسئولی عضو انجمن نخواهد بود و مشخص شد که مدیران مسؤول، تنها به عنوان عناصری که مسبب شکل‌گیری اجتماع اولیه بودند، مطرح هستند و در اداره انجمن نقشی ندارند. شاید اگر مدیران پیشقدم نمی‌شدند، به دلایل متعددی از جمله پراکندگی نیروها و وجود اختلاف سلیقه‌ها، هیچ‌وقت این انجمن پا نمی‌گرفت. مدیران مسؤول در واقع سد تشکل‌های صنفی را شکستند و آمادگی لازم را برای مشارکت مطبوعاتی‌ها فراهم کردند و همان‌طور که وعده داده شده بود، بعد از انتخابات هیأت‌مدیره، کنار رفتند. از این پس هیأت‌مدیره متولی اداره انجمن است و ترکیب هیأت‌مدیره را هم که خود مطبوعاتی‌ها انتخاب کرده‌اند. این طبیعی است که بعد از انقلاب اسلامی نوعی تفکر حاکم شد که منافع جامعه را بر منافع شخصی ترجیح می‌داد. این مسأله هم جدا از این تفکر نیست. □

رضا خسروی عضو هیات مؤسس انجمن نویسندگان و خبرنگاران آزاد:

انجمن خبرنگاران آزاد؛ در جست‌وجوی افزایش سطح دستمزدها و

نقد محتوای مطبوعات

نیمه افزاشته شدن پرچم سندیکا- یگانه تشکل صنفی روزنامه‌نگاران - باعث شد، اهالی مطبوعات به تشکلی بیندیشند که محدودیت قانونی نداشته باشد و بتواند در چارچوب قانون اساسی و براساس انتظاراتهای فرهنگی وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت کند.

از یک، دو سال گذشته، به ویژه، رویکرد اهالی مطبوعات به یک تشکل صنفی افزون‌تر شد. آنها به درستی خواهان تشکیلاتی بودند که بتواند در جهت استیفای حقوق صنفی خبرنگارها فعالیت کند. در وضعیتی که بیشتر روزنامه‌نویسان ما با کارفرماهای خود به رانستی مسأله داشتند (اکنون نیز دارند) و تعاونی مطبوعات نیز تنها مدیران و صاحب‌امتیازهای مطبوعات را گرد هم آورده بود و بیشتر، پرچم منافع آنان را بلند می‌کرد، شاید بیش از یکصد تن از خبرنگاران به سندیکا رفتند (البته به تدریج) و فرم عضویت پر کردند. اما تا پیش از سرگزاری قانونی مجمع عمومی و انتخاب هیأت‌مدیره جدید، سندیکا نمی‌توانست عضوگیری کند. از همان هنگام، ناگزیر اندیشه پی‌ریزی یک تشکل جدید صنفی در ذهن‌ها نطفه بست.

سال گذشته، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی رسماً اعلام کرد که نویسندگان و خبرنگاران آزاد مطبوعات هم می‌توانند انجمن آزاد صنفی داشته باشند و با این اعلام نظر، اندیشه پی‌ریزی چنین انجمنی بیش از همیشه قوت گرفت. اما روزمرگی‌ها، چند پیشگی‌ها و گرفتاری‌های اهالی مطبوعات مانع از آن شد که رهنمود روشن‌بینانه معاون محترم وزارت ارشاد بتواند زودتر فعلیت یابد. پی‌گیری کارها آن‌قدر به درازا کشید که «انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» و مدیران

انجمن جدیدی به تازگی پا گرفته است که اساسنامه‌اش تدوین شده و مراحل تصویب قانونی خود را طی می‌کند. ماده ۱ این اساسنامه نیز مشابه ماده اول تشکل‌های مطبوعاتی دیگر است. این ماده تصریح می‌کند:

در اجرای ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین و حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی نویسندگان، خبرنگاران، عکاسان، گرافیک‌ها، طراحان، کاریکاتوریست‌ها، مترجمان و دیگر کارکنان تحریری مطبوعات و به منظور انجام پیشبرد فعالیت‌های خبری و پژوهشی، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سرانجام برای افزایش سطح دانش و بینش کارکنان مطبوعات و حفظ حرمت و شرافت و هفت قلم، «انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران آزاد مطبوعات»، تشکیل می‌شود.

پرسش‌هایی را با رضا خسروی - یکی از اعضای هیات مؤسس این انجمن - مطرح

کرده‌ایم.
○ آقای خسروی از چگونگی شکل‌گیری انجمن بگویید؟

□ این تفکر که اهالی مطبوعات همواره در پس قافله‌اند و با آن همه داعیه، دستشان به هیچ ریسمانی بند نیست، هم‌چون بعضی فروخورده همواره روزنامه‌نویسان و خبرنگاران ما را آزرده است. متأسفانه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» که اینک بیش از ۲۵ سال از پی‌ریزی‌اش گذشته، اجازه فعالیت بسیار علنی را از دست داد و تا اندازه‌ای گوشه‌نشین شد. علت این محدودیت - نه در ساختار و ماهیت و نه در کارکرد سندیکا - در هیچ‌یک نبود؛ یک سوء تفاهم یا از قلم افتادگی باعث شد قانون کار جمهوری اسلامی که به نوبه خود بسیار کارآمد و اثربخش است عنوان و تنها عنوان «سندیکا» را به رسمیت نشناسد. و همین. و گرنه این، همان سندیکایی بود که اعتصاب سراسری و ۶۲ روزه مطبوعات را در اوج انقلاب اسلامی رهبری کرد.



■ انجمن‌های مختلف می‌توانند

در قالب یک اتحادیه سراسری

متشکل شوند و با قدرت و

امکانات بیشتری وارد عرصه

فعالیت صنفی شوند.

■ حتی اگر تعدد انجمن‌ها به

تعدد آراء و برخی تنش‌ها

میدان دهد، باز باید آن را به فال

نیک گرفت.

مطبوعاتی با امکانات و قدرتی که در اختیار داشتند به سرعت آن را ساماندهی کردند وارد میدان شد.

با این همه، باید زایش چنین تشکیلاتی را که می‌توانست راهگشای شکل‌های صنفی دیگر باشد به فال نیک می‌گرفتم که گرفتیم. اما این انجمن، با برخی حرکت‌های سکتاریستی و با استعانت از برخی مدیران مطبوعات نتوانست شمول خود را به اندازه کافی بگستراند. تمهیدات بعدی انجمن صنفی امیدوارکننده‌تر بود. انجمن کوشید به سوری مواضع یک تشکیلات واقعاً ژورنالیستی حرکت کند. هرچند انجمن هنوز از پاره‌ای مشکلات از جمله برخی موضع‌گیری‌های سیاسی به جای صنفی رنج می‌برد که جای بحث آن این جا نیست.

بدین‌گونه، با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای روز جامعه مطبوعاتی و اظهارنظر معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، تلاش‌ها برای تشکیل انجمن صنفی آغاز شد: انجمنی که نام کامل آن «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران آزاد مطبوعات» است. آزاد به این مفهوم، که اعضای انجمن نباید تعهد داده باشند که تنها با یک نشریه خاص همکاری کنند و باید از امکان همکاری هم‌زمان با دو یا چند نشریه برخوردار باشند ولو اینکه تنها با یک نشریه همکاری کنند. این همکاری می‌تواند به صورت استخدامی یا حق تحریری باشد.

در حال حاضر، اساننامه انجمن تهیه و به تصویب اعضای هیأت مؤسس رسیده و نامه‌ای برای پی‌گیری آن خطاب به اداره امور انجمن‌های صنفی کارگرو وزارت کار تهیه شده که قرار است همین روزها برای وزارت محترم کار و امور اجتماعی ارسال شود. چنانچه مانعی بر سر راه پی‌ریزی این انجمن وجود نداشته

شفاف‌سازی این بخش از موضوع، مهمترین وظیفه انجمن صنفی است.

انتظاری که از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران می‌رود این است: تدوین مقرراتی که به چالش‌های بحث پرتضاد روزنامه‌نگار و نهاد رسانه‌ای او - که بستر عدم امنیت شغلی است - خاتمه دهد. در غیراین صورت، نه روزنامه‌نگار و نه نهاد رسانه‌ای - چون از قبل مبنایی ندارند - تعهدی در قبال یکدیگر به عهده نخواهند گرفت. شکل ایده‌آل مسأله، دستیابی به یک نظام نظارت و حساسی است. نیازی به توضیح نیست که اگر انجمن صنفی، روزی و روزگاری خواست مقررات و قوانینی در این زمینه تدوین کند، فراموش نکند که قانون باید روح داشته باشد وگرنه امکان زندگی در جامعه، آن هم در قبیله روزنامه‌نگاران را نخواهد یافت.

۳. ببینید! مسأله ایستقدها هم پیچیده نیست، فقط چند تا پارامتر دارد: دولت، رسانه‌ها و مخاطبان.

- اگر می‌گویند رسانه‌ها «رکن چهارم» جمهوری‌ها هستند، یعنی دولت سه رکن دارد و رسانه‌ها رکن چهارم هستند.

- اگر می‌گویند «رسانه‌ها»، این واژه دو

بخش دارد، «روزنامه‌نگار» و «نهاد رسانه‌ای» او، که درباره‌اش توضیح دادم.

- و اگر می‌گویند رسانه‌ها «چشم سوم» هستند یعنی دو چشم دیگر هم در کار است: چشمان مخاطب.

- پس اگر می‌گویند انجمن صنفی، یعنی جایی که نه «سه رکن دولت» هست، نه «نهاد رسانه‌ای» و نه «دو چشم مردم».

اما همین جا اضافه کنم چون هیچکدام از اینها نیستند، کار بسیار دشوار می‌شود، زیرا در این حالت، در «حریم فردی» قرار می‌گیریم و در حریم فردی، «قانون» حضور ندارد. قانون، ناظر بر مناسبات و احوال بین افراد است، حال آنکه در حریم فردی این اخلاق است که رابطه فرد با خودش را تنظیم می‌کند و غالباً وقتی کارکرد قانون تمام می‌شود، حرکت اخلاق، تازه آغاز می‌شود. در انجمن صنفی ما به خودمان واگذار می‌شویم و این فرصتی سرشار از مخاطره و امید است، هم مخاطرات و هم امیدها. هر دو، در تدوین رویه‌های انجمن فرصت حضور می‌یابند. مشورت گسترده، پیش از تدوین رویه‌ها و مطالعه رویه‌های بین‌المللی، هر دو می‌توانند از میزان مخاطرات به نفع امیدها بکاهند.

قندی، دبیر تحریریه روزنامه جامعه

حرفه روزنامه‌نگاری

باید رسمیت و استقلال یابد



■ شرط رسمیت یافتن شغل روزنامه‌نگاری، خارج شدن آن از تیول دولت و وجود قانون و مقرراتی است که باید به دست خود روزنامه‌نگاران برای روی آوردن‌شان به این حرفه، تدوین گردد.

عضو انجمنی باشند که برای احقاق حقوق روزنامه‌نگاران تأسیس می‌شود.

۱. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نباید در محدوده یک نسل از روزنامه‌نگاران قرار گیرد. هم‌اکنون روزنامه‌نگاران فعالی از دهه‌های ۴۰، ۵۰ در کشور وجود دارند که متأسفانه در این

«حسین قندی» دبیر تحریریه روزنامه جامعه با توجه به اینکه بیشتر مدیران مطبوعات، روزنامه‌ها را به تربیتی برای تبلیغ تفکر جریان‌های سیاسی و... تبدیل کرده‌اند. این پرسش را مطرح می‌کند که صاحبان امتیاز و مدیران مسؤول مطبوعات، چگونه می‌توانند

■ معتقدیم هر قدر شمار انجمن‌های صنفی بیشتر باشد هم، راه‌های دستیابی به آزادی هموارتر می‌شوند و هم مردم، دموکراسی را بیشتر تمرین می‌کنند.

باشد و مجوز فعالیت رسمی آن صادر شود، به زودی، تلاش برای عضوگیری و انتخاب اعضای هیأت‌مدیره که باید از صالح‌ترین جوانان مطبوعاتی باشند آغاز می‌شود.

○ قرار است این انجمن چه کند؟
 □ فعالیت‌های انجمن آزاد، پیرامون دو محور عمده دور خواهد زد:
 ۱. دفاع از منافع و حقوق حقهٔ زحمتکشان

مطبوعاتی و تلاش در جهت افزایش سطح دستمزدهای این صنف؛

۲. نقد نقادانهٔ محتوای مطبوعات: از تیرت صفحه اول تا عکس‌ها و طرح‌ها و جدول‌ها به منظور رشد کیفی رسانه‌های نوشتاری.

ما معتقدیم نشریات ما - برخلاف پیشینهٔ حدوداً ۱۶۷ سالهٔ آنها - حرف چندانی برای گفتن در سطح منطقه ندارند و باید از کاستی‌های کنونی رهانیده شوند.

○ این انجمن با تشکل‌های دیگری که موجود است، چه تفاوتی دارد؟

□ گفته شد که انجمن صنفی به جهت موضع‌گیری سیاسی و برخی کادرهای مدیریتی آن، نتوانست به یک تشکل فراگیر تبدیل شود. البته این به مفهوم کم‌بها دادن به این انجمن نیست و ما برای دوستان خود در این تشکل، ارزش و احترام بسیار قائل‌ایم اما واقعیت را هم باید گفت.

تشکل دیرینه بعدی، سندیکای نویسندگان است که هنوز اجازهٔ فعالیت گسترده نیافته و از این‌رو، امکان عضوگیری و سازماندهی مجدد ندارد. برخی از انجمن‌های دیگر مانند انجمن منتقدان سینما و تئاتر و مانند آن هم، حساب خود را از اهالی مطبوعات جدا کرده و به راهی



دیگر رفته‌اند.

شاید مهم‌ترین تفاوت‌های انجمن آزاد با دیگر تشکل‌های صنفی، رشته‌های فعالیت آن است: جایی برای تظلم روزنامه‌نویسان و خبرنگاران و انتقادهای مطبوعاتی به منظور رشد کیفی جراید کشور.

○ اصولاً تعدد انجمن‌های صنفی را چگونه می‌بینید؟

□ فکر می‌کنم در عصر پسامدرنیسم و تکثرگرایی، هیچ‌کس نمی‌تواند مخالف تعدد انجمن‌های صنفی باشد. چرا که در غیراین صورت، کم‌ترین عارضه‌ای که پدید می‌آید، گسترش طاعون توتالیتاریسم و سکتاریسم خواهد بود.

قدرت طلبی و یکپارچه‌نگری به راستی طاعون‌هایی مرگباراند که راه را بر رشد فرهنگ‌ها و آزادی انسان‌ها می‌بندند. با چنین باوری و با توجه به این که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آزاداندیشی و مشارکت توده‌ای، راهگشای فراز پویی جامعه‌ها شده است، معتقدیم هر قدر شمار انجمن‌های صنفی بیشتر باشد هم، راه‌های دستیابی به آزادی هموارتر می‌شوند و هم مردم، دموکراسی را بیشتر تمرین می‌کنند. مهم‌تر از همه این که، کیفیت، همواره از دل کمیت می‌جوشد. از این‌رو، انجمن‌های صنفی باید آزادانه فعالیت کنند و به گونه‌ای خردمندانه با هم مشارکت و همفکری داشته باشند. ضمن این که انجمن‌های مختلف می‌توانند در قالب یک اتحادیه سراسری متشکل شوند و با قدرت و امکانات بیشتری وارد عرصهٔ فعالیت صنفی شوند.

○ به نظر شما، این تشکل‌ها در مسایل اصولی، چگونه باید به توافق برسند، آیا لزوم مرکزیتی را برای این کار حس می‌کنید؟

□ حتی اگر تعدد انجمن‌ها به تعدد آراء و برخی تنش‌ها میدان دهد، باز باید آن را به فال نیک گرفت. زیرا هرگونه مرکزیتی برای مداخله در کار انجمن‌ها، مهر و نشان توتالیتاریستی و دیکتاتورمآبانه خواهد داشت.

ما برای درمان بیمار افتاده در بستر ناتوانی، می‌پذیریم که او را به دست تیغ تیز جراح بسپاریم و تمام هست و نیست‌مان را نیز به پای بهبودی او بریزیم. تفکر مستبدانه نیز، نوعی بیماری است که باید آن را معالجه کرد. اگر ما

هنوز به دلیل دیکتاتوری‌های سهمگین چنددهه‌زاساله با شیوه‌های دموکراسی و آزاداندیشی چندان که باید آشنا نشده‌ایم، پس باید قبول کنیم که برای دستیابی به این آرمان‌ها باید بهای آن را نیز بپردازیم. شاید تعدد انجمن‌ها و سندیکاها و اتحادیه‌ها در آغاز، برخی تنش‌های ناشی از ناآشنایی با رفتارهای دموکراتیک را به بار آورد، اما هیچ بیمی نباید به دل راه داد و باید منتظر ماند تا کودک دموکراسی برای شناخت پدیده‌های پیرامون خود اشیاء قیمتی را بر زمین بزند و بشکند. سرانجام روزی همین کودک به مرز «شناخت» می‌رسد و سرنوشت بعد او «سازندگی» است.

ما اعلام کرده و گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت که حتی اگر دیگر تشکل‌ها با ما به ستیز و دشمنی هم برخیزند، ما وارد گستره خطرناک

■ نشریات ما -

برخلاف پیشینه حدوداً ۱۶۷

ساله آنها - حرف چندانی برای

گفتن در سطح منطقه ندارند و

باید از کاستی‌های کنونی

رهاانیده شوند.

درگیری با آنها نخواهیم شد و همواره درفش همکاری و همسویی را برافراشته نگاه خواهیم داشت.

تنها شیوه مقابله احتمالی ما با برخی تشکل‌ها، بحث و جدل علمی و آکادمیک به منظور رفع نارسایی‌ها و تقویت نقاط قوت آنها است.

فکر می‌کنیم سیاست اتحاد و انتقاد به جای مسنازه و تخریب، از همه انسانی‌تر و دموکراتیک‌تر است. همچنان که فکر می‌کنیم در حساس‌ترین لحظات تاریخی، دادن یک اعلامیه مشترک می‌تواند موج آفرینی کند و چرخه کامیابی‌ها را شتاب بخشد. شاید روزی، انجمن‌های همسو دست به ائتلاف زدند و همچون پانته‌ایسم عرفانی، از تعدد و تکثر، به نوعی وحدت دیالکتیکی رسیدند. دنیا را چه دیده‌اید؟ □

انجمن، مجالی برای حضور آنان نیست. همچنین انجمن صنفی نباید در محدوده تفکر حزبی و جناحی باشد. هم اکنون تفکر حاکم بر برخی روزنامه‌ها دقیقاً تفکر حاکم بر انجمن صنفی را شکل می‌دهد. این امر سبب می‌شود تا بسیاری از روزنامه‌نگاران که اندیشه‌ای آزاد و ورای تفکر حزبی، جناحی و گروهی دارند نتوانند قدم به انجمن صنفی بگذارند. یک انجمن صنفی مستقل، به‌دور از تفکرات حاکم بر روزنامه‌ها و خارج از فعالیت‌های حزبی می‌تواند فراگیر باشد.

۲. علی‌رغم گذشت بیش از ۱/۵ قرن از تأسیس اولین روزنامه در ایران، هنوز حرفه و شغل روزنامه‌نگاری در ایران رسمیت و استقلال نیافته است. شرط رسمیت یافتن این شغل خارج شدن آن از تیول دولت و تدوین قانون و مقرراتی است که به دست خود روزنامه‌نگاران برای آوردن به این حرفه، باید صورت گیرد. درجه‌بندی روزنامه‌نگاران، تعیین اشل حقوقی و دریافتی‌ها، تعیین وظایف و مسؤولیت‌ها در رده‌های مختلف شغلی و... از جمله نکاتی است که باید در قانون و مقررات ویژه این شغل منظور شود. یک انجمن صنفی کارآمد نیز باید

چنین وظیفه‌ای را برعهده داشته باشد.

۳. قانون کار برای چه در ایران وضع شد؟ پاسخ به این پرسش، پاسخ به پرسش شماست. قوانین کار در واقع روابط کارگر با کارفرما در قبال کاری که انجام می‌دهد را تنظیم می‌کند. چگونه ممکن خواهد بود صاحبان امتیاز - که شاید مدیران مسؤول هم باشند - عضو انجمنی باشند که برای احقاق حقوق روزنامه‌نگاران تأسیس می‌شود؟ امروز در رأس اکثر روزنامه‌های ایران افرادی حضور دارند که

به‌نحوی در اتصال با دولت یا نهادهای دولتی و حکومتی هستند و طبعاً منافع آنان را راجح بر منافع دیگران می‌دانند و اکثر آنان نه تنها روزنامه‌نگار نیستند، بلکه روزنامه‌ها را به تریبونی برای تبلیغ تفکر جریان‌های سیاسی و... تبدیل کرده‌اند. در چنین شرایطی آیا صاحبان امتیاز می‌توانند عضو انجمنی شوند که هدف آن حمایت از روزنامه‌نگاران و احقاق حقوق آنان باشد؟

مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز می‌توانند برای خود اختصاصاً انجمنی تشکیل دهند. چرا باید آنان را داخل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران کرد؟

جمیله کدیور عضو شورای سردبیری روزنامه اطلاعات

انجمن صنفی باید نماینده عقل جمعی و وجدان عمومی روزنامه‌نگاران باشد

■ حاکمیت تفکر «به

خبرنگار چه مربوط که...»

مهمترین مشکل صنفی

روزنامه‌نگار است.



تلاش کند.

۱. برای آنکه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، انجمنی فراگیر تلقی شود باید به گونه‌ای عمل کند که نماینده عقل جمعی و وجدان عمومی صنف روزنامه‌نگار باشد؛ برآیند خواسته‌های تمامی اهل مطبوعات باشد؛ منافع جمع را بر منافع گروه یا جناح یا

روشن بودن جایگاه روزنامه‌نگار ایرانی در جامعه، مهمترین مشکل این صنف از سوی خانم «جمیله کدیور» عضو شورای سردبیری اطلاعات عنوان می‌شود. وی عقیده دارد در جهت حمایت و تثبیت جایگاه و شأن روزنامه‌نگاری و تضمین آزادی‌های مشروع مطبوعات، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران باید

صورت گرفت.

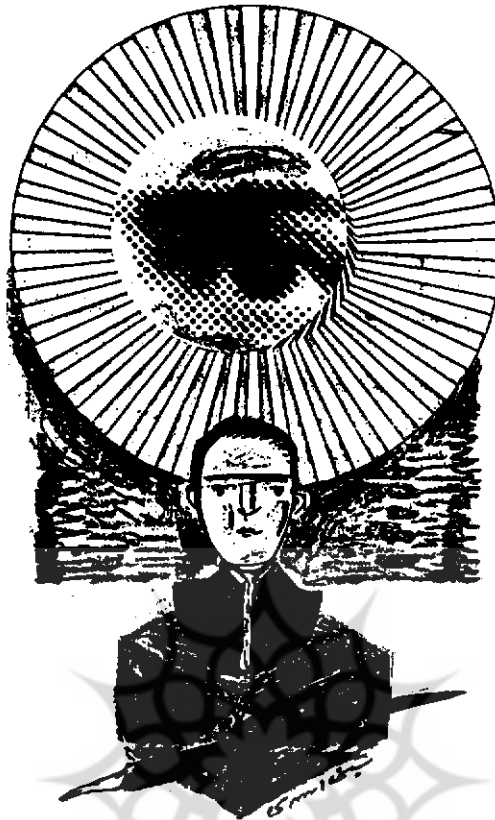
نمایندگان این نشریات دور هم جمع شدند تا هیأت مؤسس را انتخاب کنند و حسن کار این بود که مراجع قانونی در این رابطه وارد عمل شدند؛ وزارت کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک. به این ترتیب نمایندگانی از این سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، همزمان کار خود را که کار نظارتی بود - با شروع کار هیأت مؤسس آغاز کردند و شکل‌گیری این انجمن دقیقاً براساس موازین قانونی پیش رفت و هیأت مؤسس (آقایان: زاهدی، شعبانی، نظری، کردی، زندی، کوثری و زمان‌آبادی) وظیفه تدوین اساسنامه را برعهده گرفت.

طبق گفته سیدعبدالحمید احمدی، بالاخره در آذرماه ۱۳۷۴ «با رعایت تمام موازین قانونی» - این تأکیدی است که آقای احمدی دارد - دعوت عام از نویسندگان ورزشی به عمل می‌آید تا در مجمع عمومی شرکت کنند. در این مجمع عمومی صرفاً کسانی می‌توانند شرکت کنند که پروانه خبرنگاری از وزارت ارشاد داشته باشند» - این را نیز رئیس هیأت‌مدیره انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی می‌گوید - و من به یاد می‌آید که یکی از ایرادهای نویسندگان ورزشی به این انجمن همین نکته است. می‌پرسم:

○ آقای احمدی! می‌دانید که سال‌هاست مطبوعات با وزارت ارشاد بر سر این موضوع بحث و گفت‌وگو دارند که کارت خبرنگاری نباید از طریق وزارت ارشاد داده شود و خود مطبوعات باید این کار را برعهده داشته باشند، فکر نمی‌کنید کار انجمن شما خیلی عجیب است که یکی از شرایط عضویت خبرنگاران را گرفتن کارت از ارشاد تعیین کرده است، به نظر شما این کار، غیرصفتی نیست؟

□ مشکل اساسی این بود که مسیر این تشکل باید کاملاً از مجاری قانونی طی می‌شد تا به سرنوشت تلاش‌های قبلی دچار نشود. تأکیدی که در هیأت مؤسس وجود داشت که خبرنگاران کارت ارشاد را بگیرند، از این جهت بود که تا افرادی بتوانند در مجمع شرکت کنند که از نظر سابقه فعالیت شناخته شده باشند، در ضمن وزارت ارشاد محدودیتی برای صدور پروانه خبرنگاری نداشت.

○ انجمن چند عضو دارد؟



کمیته ملی المپیک به پیشنهاد اتحادیه بین‌المللی ورزشی نویسان جهان (ایپز AIPS) پیشگام می‌شود تا به تشکیل این انجمن در ایران کمک کند. اقدامات شروع می‌شود؛ دبیرکل کمیته المپیک، مجموعه‌ای را دور خودش جمع می‌کند که به کار مسائرو سامان دهند. این اقدامات به دلیل مشکلات موجود در راه فعالیت قانونی این انجمن و بعضی ناهماهنگی‌هایی که در مجموعه نویسندگان ورزشی وجود دارد، به ثمر نمی‌نشیند. بعد از شکست این اقدامات در سال ۶۸ نیز انتخاباتی داشتیم، مجمع عمومی تشکیل شد. ۱۱ نفر انتخاب شدند ولی به دلیل اینکه پیش‌بینی‌های لازم انجام نشده بود، این اقدام هم به شکست انجامید ولی پایه‌ای شد برای اقدامات بعدی.»

ادامه ماجرا این است که بالاخره در سال ۱۳۷۲ زمین و زمان به یاری ورزشی نویسان می‌آیند تا تشکل صنفی شکل گیرد. رئیس هیأت‌مدیره انجمن می‌گوید: «این بار با حمایت خانم هاشمی - نایب رئیس کمیته ملی المپیک - اقدامات اولیه تشکیل این انجمن، انجام شد، دعوتی از نشریات مختلف ورزشی

گفت‌وگو با سیدعبدالحمید احمدی

رئیس هیأت‌مدیره

انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی

انجمن ورزشی نویسان؛

فکر ژاپنی، پی‌گیری ایرانی!



حتماً می‌دانید که ورزشی نویسان مطبوعات هم دارای تشکل صنفی خاص خود هستند. البته ورزشی نویسان قصه عجیب‌وغریبی برای آغاز شکل‌گیری این انجمن تعریف می‌کنند: «از آن روزی که جرعه این آتش در دل همه‌مان افتاد، بیش از بیست‌سال می‌گذرد. آن همتای ژاپنی که از کنگره جهانی ورزشی نویسان می‌آمد و سخت در حیرت مانده بود که چرا در کشوری با این سابقه تاریخی و با این عظمت و اعتبار که در ورزش آسیا دارد، ورزشی نویسان تجمع و تشکل خاصی ندارند، ما را به این کمبود واقف ساخت. اما آن جرعه که بعدها به آتشی تبدیل شد، تا آن روز که همه گرد هم نشستیم تا به انجمنی قانونی و رسمی تبدیل شویم، به دلایل کوچک و بزرگ، منطقی و غیرمنطقی، چهره واقعی به خود نگرفت و هرگاه که تلاشی شد، نطفه عقیم ماند.»

سیدعبدالحمید احمدی - رئیس هیأت‌مدیره انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی ایران از حرف‌های آن ورزشی نویسنده ژاپنی به عنوان یک جرعه یاد می‌کند و ادامه قصه را چنین تعریف می‌کند: «پیشنهاد آن ژاپنی برای تشکیل انجمن، به دلیل مشکلاتی که وجود داشت عملی نشد تا سال ۱۳۶۸ که

■ آن همتای ژاپنی که از کنگره جهانی ورزشی نویسان می آمد و سخت در حیرت مانده بود که چرا در کشوری که این همه سابقه، عظمت و اعتبار در ورزش آسیا دارد، ورزشی نویسان تجمع و تشکل خاصی ندارند، ما را به این کمبود واقف ساخت.

□ هیأت مؤسس ۱۳۰ نفر از افراد واجد شرایط را که متقاضی عضویت بودند برای گرفتن کارت خبرنگاری به ارشاد معرفی کرد و براساس بررسی های آنها، ۱۰۲ نفر تا روز انتخابات مجمع عمومی توانستند کارت خبرنگاری بگیرند و از این تعداد عضو ۸۹ نفر در انتخابات حضور داشتند.

○ چه تعداد نویسنده ورزشی داریم؟
□ برآورد دقیقی از تعداد نویسندگان ورزشی وجود ندارد ولی شاید حدود ۱۵۰ نویسنده و عکاس ورزشی داشته باشیم.
○ انجمن تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

□ از تاریخ تشکیل مجمع به بعد، به دلیل اینکه انجمن برای انجام فعالیت های خود نیاز به پروانه داشت تلاش هیأت مدیره معطوف رفع موانع و مشکلات برای دریافت پروانه شد. چون این پروانه از طرف وزارت کشور و براساس ماده ۱۰ احزاب داده می شد، طبقاً اساسنامه انجمن و صلاحیت اعضای هیأت مدیره باید مورد ارزیابی این کمیسیون قرار می گرفت.

متأسفانه به دلیل مسایل و مشکلاتی که بعد از انتخابات مجمع عمومی ایجاد شد، پروانه این انجمن، دیرتر از چیزی که انتظار می رفت در دستور کمیسیون قرار گرفت. در طی زمان پس از انتخابات مجمع عمومی تا دریافت پروانه، فعالیت هیأت مدیره معطوف به روشنگری در قبال ضرورت وجودی انجمن بود.

بالاخره حاصل تلاش هیأت مدیره این بود که ما در تاریخ ۷۶/۸/۱۳ پروانه فعالیت انجمن را گرفتیم.

از کارهایی که پس از آن انجام شد، گرفتن کارت ۷۲ نفر از خبرنگاران از اتحادیه جهانی بود و از کارهایی که در دست اقدام است،

شخص خود ترجیح دهد؛ سعی کند هرازچندگاهی، نتایج جلسه ها و فعالیت های خود را به اطلاع روزنامه نگاران برساند، از مشکلات آنها مطلع شده، برای حل مشکلات آنها تلاش نماید؛ ضمن آنکه هریک از اعضای انجمن دارای نگرش و خط سیاسی خود هستند، انجمن صنفی باید نمایانگر منافع و مصالح جمعی صنف خود بدون گرایش انجمن به جناح، نگرش یا خط خاصی باشد؛ به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جامعه مدنی، ضروریست با توجه به ابزارهای نظارتی مطبوعات در صدد قانونمند ساختن هرچه بیشتر جامعه برآید؛ در افزایش دانش حرفه ای اعضای صنف خود بکوشد؛ تلاش کند نقاط ضعف مطبوعات را در یک فرایند صحیح

برای مقابله با این مشکل اساسی، خبرنگار و روزنامه نگار نیازمند ایجاد امنیت شغلی و حرفه ای است. در این زمینه، مهمترین نقش را انجمن صنفی روزنامه نگاران می تواند داشته باشد، به گونه ای که در جهت حمایت و تثبیت جایگاه و شأن روزنامه نگاران و تضمین آزادی های مشروع، مطبوعات به عنوان مهمترین نهاد نظارتی - بر جریان گردش قدرت و ثروت در جامعه - تلاش و فعالیت کند.

۳. معتقدم حضور نماینده ای از جانب مدیران مسؤول یا صاحبان امتیاز در انجمن صنفی مطبوعات ضروری است. اینکه گمان شود منافع قشر روزنامه نگار و خبرنگار همواره در تنش و تضاد با منافع مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز است، تصویری باطل می باشد،

■ مشترکات روزنامه نگاران (تحریریه مطبوعات) با مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز آنها، بیشتر از اختلافات آنهاست و براین اساس، می توان نماینده ای از آنها را در انجمن صنفی روزنامه نگاران پذیرفت. ■ در ایجاد امنیت شغلی و حرفه ای، انجمن صنفی روزنامه نگاران می تواند مهمترین نقش را ایفا کند.

بلکه با حمایت و مساعدت مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز، امکان حل مشکلات صنفی روزنامه نگاران بیشتر خواهد بود. به شخصه، با این نگرش تقابلی آمیز روزنامه نگار و مدیر مسؤول و صاحب امتیاز (همچون تقابلی کارگر و کارفرما) موافق نیستیم، بلکه معتقدم مشترکات روزنامه نگاران و (تحریریه مطبوعات) با مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز آنها بیشتر از اختلافات آنهاست و براین اساس می توان در انجمن صنفی روزنامه نگاران از حضور نماینده ای از آنها بهره گرفت. طبقاً در

یک انتخابات دمکراتیک، روزنامه نگاران با شناخت از نامزدهای موجود (اعم از مدیر مسؤول و صاحب امتیاز و خبرنگار و دبیرسرویس و...) افرادی را که مناسبتر و مفیدتر برای تشکل صنفی خود ببینند، انتخاب خواهند کرد. اگر بپذیریم صنف روزنامه نگار نسبت به افراد دلسوز برای صنف خود شناخت بیشتری دارند، طبقاً می توان اطمینان داشت که آنها بهترین ها را نیز انتخاب خواهند کرد.

درون صنفی بررسی نماید و تذکر دهد، تا مجالی برای تضییع گرفتن سطحی نگری و عوام زدگی در بین مطبوعات فراهم نشود؛ با حمایت فعال و جدی از هم صنفان خود، مجال مداخله افراد نامطلع حوزه های دیگر را سد کند.

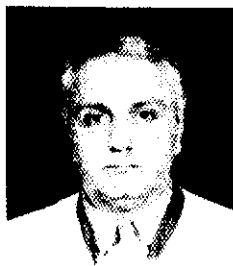
۲. به نظر اینجانب، مهمترین مشکل صنفی روزنامه نگار ایرانی این است که به دلیل حاکمیت تفکر «به روزنامه نگار و خبرنگار چه مربوط که...»، جایگاه این قشر زحمتکش در جامعه روشن نبوده است و همواره به این قشر، به عنوان طیفی که باید آنها را تحمل کرد، نگاه شده است، هر چند این نگرش تا حدود زیادی به یمن حماسه بزرگ دوم خرداد متحول شده است، ولی همچنان شاهد استمرار و ادامه حاکمیت این تفکر در ذهن طیف محدودی از دست اندرکاران هستیم؛ که البته اگر بخواهیم خوش بینانه نسبت به فضای نگاه کنیم، این امر ناشی از بی اطلاعی آنها نسبت به حوزه مسؤولیت ها و وظایف سایر اقشار، از جمله قشر روزنامه نگار است.

علی معلم رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی:

طرح مسأله کارگری و کارفرمایی

درباره انجمن صنفی

مضحک است!



این انجمن سه دوره دارد: دوره ابتدای تشکیل که من بیشتر در جریان هستم چون مسؤلیت ریاست انجمن شورای مرکزی را داشتم، ابتدا در یک جلسه مشترک هسته مرکزی انجمن را پی‌ریزی کردیم. دز آن دوره که روزهای جشنواره بود، موفق شدیم عده زیادی از دوستان همونرا که ضرورت تشکیل انجمن را درک می‌کردند، همراه کنیم و این حرکت را آغازین خوبی بود.

با توجه به اینکه از نظر تجربه مشترک صنفی، به لحاظ خودجوش تجربه موفق در زمینه اصناف فرهنگی نداشتیم، عده زیادی اساساً نسبت به تشکیلات دید منفی دارند. یکی از دلایل این دید، برمی‌گردد به برخورد های سیاسی. چرا که انجمن‌هایی که وجود داشتند، همیشه با مسایل سیاسی اختلاط پیدا کردند. واقعیت این است که سیاست با فرهنگ به این شکل نمی‌تواند جمع شود. فرهنگ، کلان‌تر از سیاست است؛ سیاست تابع مسایل روز دیپلماسی است، در حالی که فرهنگ چیزی فراتر است؛ تشکیلات فرهنگی که جبهه‌گیری سیاسی کند، دیگر صنف نیست، بلکه حزب و دسته است.

در دوره اول انجمن، ما سعی کردیم نظر منفی موجود را نسبت به تشکیلات نویسندگان تعدیل کنیم، زیرا پیش از آن هم تلاش‌های نیم‌بندی شده بود که به موفقیت نرسیده بود. با حضور در خانه سینما، کار رسمیت پیدا کرد و ما در چارچوب اساسنامه شروع به فعالیت کردیم. اما انجمن نتوانست سیر صعودی طی کند. باز همان مشکلات و توقعات بی‌جا و غیرصنفی باعث شد که ترمزی برای حرکت انجمن به وجود آید. سلیقه‌های شخصی، عدم توجه به منافع جمع و توجه به درگیری‌های

مقدمات تشکیل «انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران» در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۷۳ فراهم شد. حدود صد نفر از نویسندگان و منتقدان سینمایی در سالن سینما صورت جلسه‌ای تنظیم کردند و بعد از امضا، آن را به معاونت سینمایی ارائه دادند. معاونت سینمایی، این مسأله را به خانه سینما ارجاع داد و به این ترتیب قرار شد گروهی به عنوان هیأت مؤسس تدوین اساسنامه این تشکیلات صنفی را برعهده بگیرند. در اولین مجمع عمومی که در آذرماه ۱۳۷۴ برگزار شد، این اساسنامه تصویب شد و بعد از آن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران به عنوان یکی از صنف‌های خانه سینما کار خود را آغاز کرد. در حال حاضر اعضای شورای مرکزی این انجمن عبارتند از: علی معلم (رئیس انجمن)، امید روحانی (خزانه‌دار)، جواد طوسی، طهماسب صلح‌جو، رویرت سافاریان، کامییز کاهه، کامران ملکی (دبیر شورای مرکزی و مسؤول روابط عمومی) و داود مسلمی و عزیزالله حاجی‌مشهدی (بازرسان).

آنچه خواندید، اطلاعاتی است که کامران ملکی مسؤول روابط عمومی انجمن در اختیار ما قرار داد.

باید اضافه کرد که رئیس این انجمن، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول نشریه دنیای تصویر - علی معلم - است. با او گفت‌وگویی انجام شده است که می‌خوانید:

○ آقای معلم از ضرورت تشکیل این انجمن بگویید.

ضرورت تشکیل این انجمن برمی‌گردد به ضرورت جمع‌شدن گروهی که کارهای مشترک انجام می‌دهند. طبیعی است گروهی که کار مشخصی انجام می‌دهند، نیاز به تشکیلاتی دارند که مسائل مشترک را در آن مجموعه مطرح کنند و در جهت رفع مشکلات و به وجود آوردن هویت واقعی اجتماعی برای آن صنف تلاش کنند.

○ شکل‌گیری انجمن به چه صورت بود؟

می‌توان به راه‌اندازی و اداره مرکز خبر بازی‌های غرب آسیا اشاره کرد.

از اقدامات دیگرمان بحث تشکیل کمیته‌هایی است که وظایف مشخص دارند. ○ به اعتقاد شما چه مشکلاتی باعث می‌شود که ما نتوانیم در ایران انجمن صنفی فراگیر داشته باشیم.

○ وجود سلائق و نظرات گاه متعارض و متضاد یکی از موانع داشتن انجمن فراگیر است. بعد از انتخابات هیأت‌مدیره انجمن ما، مخالفت‌های خیلی شدیدی با این انجمن می‌شد. بیشتر مخالفت‌ها نشان داد که پیش از آنکه به ضرورت این تشکیلات توجه شود، به افرادی که در این انجمن حضور دارند، توجه می‌شود. بزرگترین اشکال مطبوعات ما این است که به این واقعیت روشن توجه نمی‌کنند که افراد، آئینه‌ای هستند از فضای موجود. در مطبوعات ورزشی؛ وجود طیف‌های مختلف و افراد مختلف نیز نشانه همین است. اگر ما می‌خواهیم به سمت پیشرفت حرکت کنیم، نباید وجود یک تشکیلات را فدای این پرسش کنیم که چرا فلان فرد در انجمن حضور دارد یا نه. این تشکیلات، اولین تشکیلات ورزشی است که شکل گرفته و قطعاً به عنوان گام اولیه، مشکلاتی خواهد داشت.

○ مهمترین مسأله‌ای که انجمن شما باید به آن بپردازد، چیست؟

اینکه انجمن بتواند در راستای فراگیرشدنش، مجموعه نویسندگان و عکاسان ورزشی را تحت پوشش قرار دهد و در راستای ارتقاء سطح کیفی کار آنها فعالیت کند. به اعتقاد من، انجمن برای ادامه فعالیت چاره‌ای هم جز رفتن به سمت این هدف ندارد و همکاری دوجانبه واقعاً یک نیاز است. عده تلاش ما این است که بتوانیم ضرورت وجودی این انجمن را تبلیغ کنیم و پایه‌های محکم برای آن بنا کنیم که سال‌های متمادی بتواند به کار خود ادامه دهد.

پی‌نوشت:

۱. خبرنگار انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی، بدون

تاریخ

بیژن مقدم عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت

روزنامه‌نگار ایرانی

در کجای قله «هویت اجتماعی» ایستاده است؟



■ مشکل معیشت، نداشتن

امید به آینده شغلی و

برخوررداری از زندگی

آبرومندی که توان انجام

وظایف مطبوعاتی را ممکن

سازد، از مسائلی است که

روزنامه‌نگاران کشور با آن

درگیر هستند.

مطبوعات (نویسنده، خبرنگار، عکاس، گرافیک و...) نسبت اعضای انجمن به عدد کل باید نسبتی معقول باشد. انجمنی که نماینده تعداد خیلی از دست‌اندرکاران مطبوعات باشد در درآمدت کارآمدی و نفوذ خود را از دست می‌دهد. لذا باید برای عضوگیری بیشتر و جلب نظر مطبوعات شهرستانی و استانی و... تلاش کرد. تا انجمن بتواند «فراگیر»، «مؤثر»، «پرقدرت» و «مقبول» باقی بماند.

۲. مهمترین مشکل صنفی روزنامه‌نگار ایرانی، فقدان هویت حرفه‌ای و جایگاه مشخص اجتماعی است. خبرنگاری در دنیا، در ردیف با ارزش‌ترین مشاغل و خطیرترین مسؤولیت‌های اجتماعی تعریف شده است. باید دید روزنامه‌نگار ما در کجای قله «هویت اجتماعی» قرار دارد. مشکل معیشت، نداشتن امید به آینده شغلی، برخورداری از زندگی آبرومندی که توان انجام وظایف مطبوعاتی را ممکن سازد، از مسائلی است که صنف روزنامه‌نگار کشور با آن درگیر است.

«قانون مطبوعات» برای تأمین حقوق مطبوعات و نویسندگان و... نیاز به اصلاح دارد. انجمن صنفی می‌تواند با تشکیل کمیته‌های کارشناسی و ارائه پیشنهادهایی در قالب طرح یا لایحه، نسبت به اصلاح قانون مطبوعات اقدام کند.

۳. برخی ممکن است تلاش کنند تا با ایجاد فاصله بین مدیران مسؤول نشریات و کارکنان، آنان را به جدالی شبیه کارگر و کارفرما

با توجه به فراوانی تعداد نشریات درحال انتشار کشور و رقم بالای دست‌اندرکاران مطبوعات، «بیژن مقدم» عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت عقیده دارد نسبت اعضای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به تعداد کل نویسنده و خبرنگار و عکاس و گرافیک و... شاغل در مطبوعات، باید نسبتی معقول باشد.

۱. عمل به وظایف قانونی تصریح شده در اساسنامه، پاسخگویی به نیازهای صنفی اعضا که در قالب کمیته‌های خاص در اساسنامه پیش‌بینی شده است، پرهیز از برخوردهای خطی، سیاسی و تبدیل نشدن به ابزار یک جریان سیاسی و فکری، می‌تواند انجمن را فراگیر کند.

«کارآمدی» مهمترین وسیله‌ای است که به انجمن صنفی، اعتبار و قدرت می‌دهد. در این صورت، افراد این صنف با علاقه‌مندی از عضویت در انجمن استقبال خواهند کرد و همین مسأله به «فراگیری» بیشتر منجر می‌شود. انجمن باید از حضور در عرصه‌هایی که به ایجاد اختلاف بین اعضای صنف، اعضا و انجمن، اعضا و مدیران می‌انجامد پرهیز کند. از آنجا که مطبوعات کشور، پس از گذشت ۲۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار دارای یک تشکیلات صنفی شده‌اند لازم است نسبت به تقویت آن بکوشند.

از سوی دیگر، با توجه به تعداد نشریات در حال انتشار کشور و رقم دست‌اندرکاران

درون‌گروهی باعث ضعف انجمن شد و این تشکل نتوانست در دو سال تشکیل، قدرت لازم را به دست بیاورد.

○ موقعیت فعلی این انجمن چگونه است؟

□ در این دوره‌ای که آغاز شده، ما سعی

کردیم فراگیری انجمن را گسترش دهیم و بیشتر از اینکه به علائق و سلاطین فرهنگی - هنری بپردازیم، به خود صنف و تأمین حرمت اهل مطبوعات سینمایی توجه کنیم. در این مجموعه، سعی می‌کنیم آن حرمت واقعی اهل قلم را در جامعه ایران به وجود بیاوریم. جامعه تاکنون نسبت به این حرفه بی‌اعتنایی کرده و نتوانسته حق واقعی این حرفه را ادا کند. اهل فرهنگ از اقشار محروم جامعه ما هستند و باید در مسیر حل مشکلات مادی و معنوی آنها حرکت کرد. انجمن تلاش می‌کند تا حقوق از دست رفته این قشر را تا جایی که می‌تواند احیا کند.

○ انجمن در حال حاضر چه می‌کند؟

□ با حسن نظری که برگزارکنندگان

جشنواره فیلم فجر داشتند، اداره سینمای مطبوعات به انجمن منتقدان سپرده شد و ما سعی می‌کنیم که از این به بعد در فعالیت‌های جمعی، جشنواره‌ها، نمایشگاه مطبوعات و اصولاً برنامه‌هایی که تنها حالتی دولتی نداشته باشد، نقش مثبت‌تر و فعال‌تری ایفا کنیم و با این حرکت نشان دهیم که کار در هر رشته و فعالیت باید به اهلس سپرده شود نه به کسانی که از بیرون به ماجرا نگاه می‌کنند. در راستای سیاست‌های جدید دولت که واگذاری بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و هنری به خرد صنف‌هاست، ما هم امیدواریم که بتوانیم در هر گونه همایشی که در حوزه فعالیت اعضای انجمن است، شرکتی فعال داشته باشیم.

○ ارتباط شما با دیگر انجمن‌های صنفی

روزنامه‌نگاری در چه حدی است؟

□ در حال حاضر ارتباطی نداریم ولی در

حقیقت انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاران که کلان‌تر است می‌تواند از جاهایی باشد که ما با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم. انجمن‌های خاصی می‌توانند از نظر اصول کلی مطبوعات زیر مجموعه‌ای از انجمن کلان باشند. اما اینکه عده‌ای نویسنده سینمایی دور هم جمع شوند و انجمن خود را داشته باشند، تقریباً در همه جای دنیای مرسوم است که اینها به طور مستقل وجود دارند و هم به بعد فرهنگی -

هنری توجه دارند و هم به بعد صنفی؛ شاید انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بتواند در بعد صنفی فعالیت بیشتری انجام دهد. از نظر اصول صنفی بد نیست که ما با انجمن روزنامه‌نگاران ارتباط داشته باشیم به شرطی که آن انجمن به سلیقه سیاسی خاصی وابسته نباشد و واقعاً ارگان روزنامه‌نگاران باشد.

○ بسیاری از روزنامه‌نگاران معتقدند که مدیران مسؤوول مطبوعات باید انجمن جداگانه داشته باشند و روزنامه‌نگاران انجمن مستقل و مجزای

خودشان را، به عنوان یک صاحب امتیاز، مدیرمسئول، در این زمینه چه نظری دارید؟
□ به نظر من این دیدگاه غلطی است. بین این آدم‌ها، منافع مشترک وجود دارد، همه کسانی که اهل مطبوعات هستند و در یک حوزه زیر یک چتر قرار می‌گیرند، مسایل مشترکی دارند، چطور می‌شود، به کسانی که در یک حوزه مشترک کار می‌کنند، کارگر و کارفرما تلقی کرد؟ تشبیه کردن مطبوعات به کارخانه یا مزرعه مضحک است!

○ اما این اعتقاد به طور جدی در بین روزنامه‌نگاران وجود دارد؟

□ ببینید کل مسایلی که در این زمینه وجود دارد به تجربه نیروهای چپ و عقاید کمونیستی برمی‌گردد. مطبوعات در ایران به دو بخش دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند. در مطبوعات دولتی می‌توان چنین تفکیکی قائل شد چون حساب سودوزیان در دست دولت است و مدیران مسؤوول حافظ منافع دولت هستند و روزنامه‌نگاران ما ممکن است مخالف این باشند که ایسان درباره مسایل صنفی تصمیم بگیرند ولی بخشی از مطبوعات مستقل وجود

دارد که اصلاً چنین تقسیم‌بندی‌ای در مورد آنان نمی‌تواند صدق کند. بحث بر سر نشریاتی که سودهای کلانی می‌برند، نیست؛ نشریات ما نشریات واقعی نیستند. نشریات دولتی غیرواقعی هستند، حساب و کتاب اقتصادی ندارند، از جیب مبارک بیت‌المال خرج می‌کنند و بیشترین تعداد روزنامه‌نگار هم در این نشریات مشغول به کار هستند، واژه‌هایی که شما به کار می‌برید، بیشتر قائل به مطبوعات دولتی است. وگرنه در بخشی از نشریات خصوصی، صاحبان نشریه در راه مطبوعات، اموال خود را به باد می‌دهند و کارگر و کارفرما معنی ندارد. ناگفته نماند که بعضی نشریات خصوصی هستند که پول کلانی در می‌آورند و با کمترین استفاده از فرهنگ، سودهای کلان از فرهنگ به جیب می‌زنند ولی بعضاً نشریاتی

هم داریم که نویسندگانش حق‌التحریر نمی‌گیرند و خوانندگان حاضرند برای ادامه حیات نشریه، کمک کنند. من معتقدم در انجمن که متشکل از نویسندگان است، باید ارتباط ارگانیک با بالا وجود داشته باشد.

اگر اعضای کارگری مطبوعات حضور دارند، حتماً از سطوح بالای نشریات هم حاضر باشند - حتی به شکل وابسته - منافع این گروه به هم گره خورده است. حرمت نشریه، حرمت نویسنده است، اگر نشریه‌ای وجود نداشته باشد، اصلاً نویسنده‌ای وجود ندارد؛ اگر نشریات با این مشکل مواجه شوند که اصلاً وجود نداشته باشند، این پیچیده‌تر از آن است که با دیدگاه کارگری به آن نگاه کرد.

○ آقای معلم، بحث بر سر دیدگاه چپ و راست نیست. بحث برسر این است که

صنفی وجود دارد. به طور حرفه‌ای کاری انجام می‌دهد، منافعی دارد که باید از طریق شکل صنفی به آن دست پیدا کند. آنچه که شما در مورد بعضی نشریات خصوصی می‌گویید قابل قبول است ولی این سو هم تشریح وجود دارد که با این حرفه زندگی می‌کند.

□ ببینید! ما راه نرفته‌ای داریم که نمی‌توانیم بحث‌های پیشرفته‌ای بکنیم. این بیشتر شبیه شوخی است؛ اصلاً چند نشریه وجود دارند که بازده اقتصادی می‌دهند و درآمدزایی می‌کنند! حتی نشریات دولتی با تمام استفاده‌ای که از منابع و منافع دولتی می‌کنند، ضرر می‌دهند! وقتی چنین نشریاتی وجود دارند. چطور می‌شود گفت تشکلی ایجاد کنیم که بتواند خیلی سفت و سخت به مسایل کارگری بپردازد! حتی در دین ما هم ملاک ارزشیابی ثروت و فقر نیست.

○ آقای معلم با همه آنچه گفته شد، اغلب روزنامه‌نگاران به این معتقدند که تأمین مسایل صنفی از جمله وظایف اساسی تشکلهای صنفی است. آنها معتقدند که با بی‌توجهی به مسایل صنفی روزنامه‌نگاران،



آنها ناگزیرند در مطبوعات مختلف کار کنند و علاوه بر فرسودگی زودرس، موجب افت کیفی مطبوعات هم بشوند، این گروه بر تأمین مسایل صنفی از طریق تشکل‌های خود اصرار دارند.

□ به نظر من تأمین مسایل صنفی در درجه اول به نشریاتی مربوط است که تأمین اقتصادی داشته باشند. در جامعه‌ای که روزنامه‌نگاری برای همه، شغل دوم است - حتی برای صاحبان نشریات - ما نمی‌توانیم از اول سنگ گنده برداریم؛ وقتی کارگری به مفهوم واقعی وجود دارد که ما شرکتی مثل «شل» داشته باشیم. اگر در این جامعه، مطبوعاتی مثل لوموند وجود داشت، من حرف شما را می‌پذیرفتم. صحبت از کدام مطبوعات می‌کنید؟ وقتی زمانی برسد که مطبوعات

■ از نظر اصول صنفی بد

نیست که ما با انجمن

روزنامه‌نگاران ارتباط

داشته باشیم به شرطی که

آن انجمن به سلیقه سیاسی

خاصی وابسته نباشد و

واقعاً ارگان روزنامه‌نگاران

باشد.

حالت نرمال داشته باشند، به سوددهی برسند و اوضاع روبراه شود، این بحث مقبول است ولی امروز... باید گفت جامعه ما جامعه متفاوتی است با تئوری‌های چپ نمی‌توان کاری از پیش برد.

○ آقای معلم! این مسأله ربطی به

تئوری‌های چپ و راست ندارد. برخلاف

آنچه گفتید که مطبوعات شغل دوم همه

است، باید گفت در جامعه ما بسیاری فقط

از طریق این حرفه زندگی می‌کنند و قطعاً

باید به حداقل‌هایی دست پیدا کنند. این

حداقل‌ها برای زندگی مادی و معنوی خود

روزنامه‌نگاران و برای داشتن مطبوعاتی

سالم و کیفی، کاملاً ضروری به نظر

می‌رسد. به نظر شما اگر وظیفه تشکل‌های

صنفی، چنین مسایلی نیست، پس ضرورت

ایجاد این تشکل‌ها چیست؟

انجمن روزنامه‌نگاران ضرورتی ندارد. چرا که با وجود صدور نزدیک به ۱۰۰۰ مجوز نشریه در کشور، مدیران مسؤول نشریات می‌توانند با تشکیل «مجمع مدیران» با اهداف ترسیمی و دارا بودن حداقل ۱۰۰۰ عضو آغاز به کار کنند.

بکشانند. در حالی که محیط‌های فرهنگی مطبوعات ما از شرایط خاص خود برخوردار است. انجمن صنفی باید ضمن جلوگیری از بروز چنین مسائلی به ایجاد همدلی بیشتر بین کارکنان مطبوعات و مدیران کمک کند. اما با وجود این تأکید، عضویت مدیران مسؤول در

موسوی، سردبیر هفته‌نامه سینما

کسب هویت حرفه‌ای مهمترین وظیفه انجمن صنفی است

■ انجمن باید به منافع
صنفی بیندیشد، آزادی را
برای همه روزنامه‌نگاران
تأمین و فراجناحی عمل کند.



■ آزادی روزنامه‌نگار نیاز به پشتوانه‌ای دارد که انجمن صنفی قطعاً می‌تواند برای وی فراهم نماید.

خبرنگار برای ارائه آنچه برای آن می‌کوشد، به دست نمی‌آید و آزادی روزنامه‌نگار نیاز به پشتوانه‌ای دارد که انجمن صنفی قطعاً می‌تواند برای وی فراهم نماید.

۳. بله و نه. مسؤولان و صاحبان امتیاز روزنامه‌ها و مؤسسات بزرگ - تا آنجا که من می‌دانم - صاحب نوعی باشگاه، علی‌رغم تمام تفاوت‌های تفکر سیاسی هستند. این باشگاه، گهگاه فعالیتی کم‌رنگ دارد، گاه نیز هماهنگ‌تر عمل می‌کند. این بزرگواران نه و قتش را دارند و نه می‌توانند فرصت‌هایی را به انجمن بدهند. اما در مقابل، مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز نشریات هفتگی، ماهانه و... جایشان در چنین انجمنی خالی است. چرا که به جز یک تعاونی مطبوعات - که نامش تعریفش می‌کند - جایی برای طرح مسائل و مشکلات ریز و درشت خود و همکاری‌اشان ندارند. جای این گروه در میان اعضای انجمن بسیار خالی است و می‌تواند به رشد همکاری‌ان این گروه از بزرگواران کمک کند.

«سیدغلامرضا موسوی» سردبیر هفته‌نامه سینما، با اشاره به اینکه هنوز هویت صنفی روزنامه‌نگاران جایگاه لازم را نیافته است انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را ملزم به تلاش برای کسب هویت حرفه‌ای می‌داند و این مهم را نیز در گروهی تأمین امنیت خبرنگار می‌داند.

۱. در حقیقت، پاسخ در پرسش مستتر است. باید «فراگیر» باشد، اما چگونه؟ طبیعتاً اینجا به بخش ویژگی‌های انجمن باز می‌گردیم: به منافع صنفی بیندیشد، آزادی را برای همه روزنامه‌نگاران تأمین کند، فراجناحی عمل نماید، هیأت‌مدیره‌ای سخت‌کوش داشته باشد تا در چند سال اول فعالیت خود - که روزنامه‌نگاران نیز از تشکیلات خاطره خوبی ندارند - تبادل آرا کرده و گرهی از مشکلات روزنامه‌نگاران باز کند.

۲. هویت! هویت صنفی روزنامه‌نگار در جامعه، جایگاه لازم را نیافته است، باید انجمن در جهت کسب هویت حرفه‌ای سخت‌کوش باشد. طبیعتاً این هویت، بدون تأمین امنیت

علی شیدفر عضو هیات مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر تعدد و پراکندگی تشکل‌های صنفی فقط تضعیف آنها را به دنبال دارد



کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده ۱۸ اساسنامه انجمن نمایش با گروهی به عنوان هیأت مؤسس فعالیت خود را آغاز کرد.

هما کلهری، علی منتظری، علی شیدفر، حسین فرخی، محمد آقازاده، حسن فتحی، جبار آذین، محمود گبرلو، نصرالله قادری و علی فتح‌الله‌زاده‌خویی به عنوان هیأت مؤسس اساسنامه کانون را تدوین کردند. عضوگیری، تشکیل مجمع عمومی، تصویب اساسنامه و انتخاب هیأت مدیره از فعالیت‌های بعدی کانون بود که در نشست‌های هفتگی کانون تداوم داشت. ریاست کانون در دو دوره پی‌درپی و در سال‌های نخست برعهده من بود.

شیدفر هدف‌های تشکیل این انجمن را چنین برمی‌شمرد:

«کانون ملی منتقدان تئاتر به عنوان یک تشکل صنفی، برخورد فعال با رویادهای تئاتری کشور، نقد و بررسی وضعیت تئاتر اعم از سیاست‌گذاری و اجراء، حمایت از علائق حرفه‌ای و حقوق قانونی منتقدان، افزایش آگاهی، تبادل تجربیات، گسترش و اعتلای کار نقد و هنر تئاتر مطابق با موازین فرهنگی جمهوری اسلامی و... را به عنوان اهداف اصلی خود انتخاب کرده است و اساسنامه بر تک تک این مسایل به عنوان وظایف اصلی تأکید دارد. به موجب اساسنامه کانون همه

«کانون ملی منتقدان تئاتر» از دیگر تشکل‌های صنفی است که در جامعه امروز مطبوعات ایران فعالیت‌هایی داشته است. این کانون در سال ۱۳۶۹ باگرفت و علی شیدفر چهره‌آشنای نقد تئاتر، عضو هیأت مؤسس و در دوره قبل رئیس هیأت مدیره آن بوده است. او درباره چگونگی تشکیل این انجمن می‌گوید:

«تئاتر هنری فراگیر و مردمی است و به واسطه ارتباط زنده و پویایی که با تماشاگر دارد در روند تحولات اجتماعی از جایگاهی تعیین‌کننده برخوردار است. مقوله نقد تئاتر نیز از جمله مسایل مهمی است که در صورت توأم‌بودن با آگاهی صداقت و دانش می‌تواند باعث تحول این هنر باشد. با چنین دیدگاهی بود که از سال‌های نخست پیروزی انقلاب تشکل نویسندگان تئاتری و دست‌اندرکاران نقد تئاتر در مرکزی به نام کانون احساس می‌شد. کانونی که بتواند به این گروه هویتی اجتماعی بخشد و برای حل مشکلات موجود آنها را در زیر یک چتر گردهم آورد. در تحقق این هدف چندتن از همکاران و همفکران دور هم جمع شدیم و هرازگاهی یک نشست ماهانه برگزار می‌کردیم که به چندان توفیقی نمی‌رسیدیم. مشکل اصلی کار نداشتن مجوز برای اعلام موجودیت رسمی کانون و هویت قانونی آن بود که هر نوع فعالیتی را مانع بود. سرانجام در سال ۱۳۶۹ و در بهار تئاتر ایران، این مشکل به همت هیأت‌امنای انجمن نمایش حل شد و

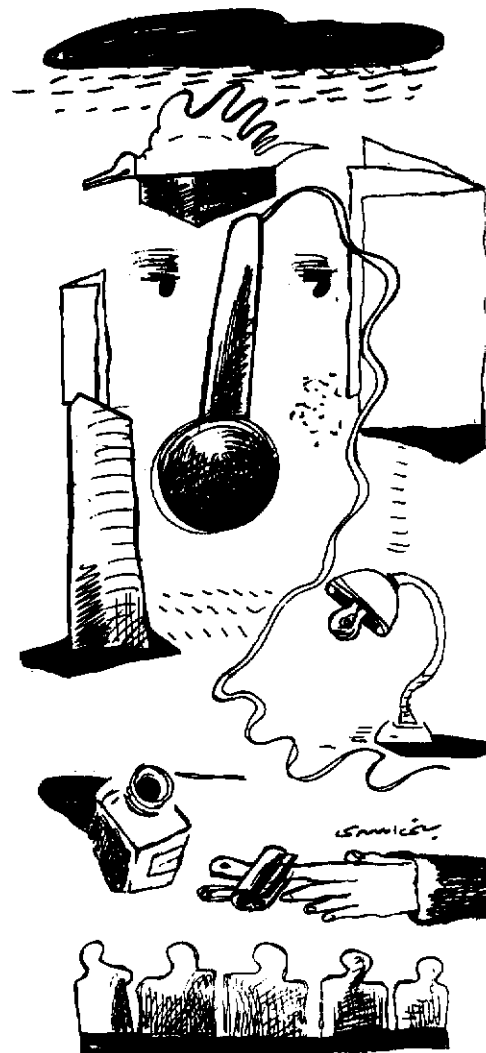
□ به اعتقاد من، ضرورت ایجاد تشکل صنفی، ایجاد همدلی و تخصص برای عضو آن تشکل است. در کشوری که نویسندگی کسرشأن محسوب می‌شود، ما باید همواره در پی کسب حرمت ویژه برای اهل فرهنگ باشیم. مطبوعاتی‌های ما درد مشترک دارند. اگر ما از این درد مشترک رها شویم، جلوتر برویم و همه چیز سرجای خودش قرار بگیرد، می‌توان درباره مسایل دیگری بحث کرد. ما بیشتر به همدلی و ابراز هویت اجتماعی نیاز داریم. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که نهادهای دولتی، ارزشی برای نویسندگی قایل نیستند، حتی خانواده‌ها نویسندگی را شغل نمی‌دانند، تفنن می‌دانند. بنابراین شما بیش از هر چیز به اثبات خود نیاز دارید. در جامعه ما اصلاً «تراست مطبوعاتی» وجود ندارد - به مفهوم خصوصی آن - بخش بزرگی از فرهنگ هنوز دولتی است. بنابراین، این بحثها صدق پیدا نمی‌کند.

من مخالف هیچ‌گونه تشکل صنفی نیستم ولی معتقدم برای حل مسایل مشترک، باید ارتباط ارگانیک بین همه دست‌اندرکاران وجود داشته باشد.

مثلاً تشکیلات صنفی حق‌التحریر تعیین می‌کند در صورتی که مطبوعاتی هستند که قادر نیستند همین حداقل‌ها را بپردازند. منم امیدوارم که مطبوعات شأن خود را داشته باشند و نویسنده مطبوعات به حق و حقوق خودش برسد. به عنوان مدیر یک نشریه می‌دانم آنچه که مترجم از ما می‌گیرد با آنچه در دارالترجمه‌ها اتفاق می‌افتد، اصلاً قابل مقایسه نیست. من می‌دانم شرم‌آور است پول‌هایی که به خبرنگاران و نویسندگان داده می‌شود من نسبت به مشکلات مطبوعات بی‌نظر نیستم. ما همه سعی می‌کنیم که این مشکلات به حداقل برسد.

من معتقدم بیماری‌های مطبوعات باید حل شود؛ تمام ارگان‌های ما باید باور کنند که اهل قلم وجود دارند؛ مردم باید نیاز به خواندن را باور کنند؛ تا زمانی که تیراژ نشریات ما به میزان واقعی نرسد، ما این مشکلات را خواهیم داشت، من معتقدم که مجموعه‌ای از مدیران مسؤول، روزنامه‌نگاران و نویسندگان در هر رشته‌ای می‌توانند سازمان مطبوعات را به‌وجود آورند و این سازمان می‌تواند به مشکلات کلان رسیدگی کند.

■ **تعدد انجمن‌های صنفی به شرطی مثبت و ارزنده است که هر انجمن، یک صنف خاص را دربر گرفته باشد نه آنکه هر صنف دارای چند انجمن باشد.**



افرادی که در مطبوعات و رسانه‌های گروهی سراسر کشور در زمینه تئاتر فعال‌اند چه به عنوان منتقد، گزارشگر، خبرنگار، عکاس یا نویسنده نمایش، مترجم و پژوهشگر هنرهای نمایشی می‌توانند به عضویت کانون درآیند اما نمایشنامه‌نویسان، مترجمان و پژوهشگران به عنوان اعضای افتخاری کانون پذیرفته خواهند شد.

کانون در بخش‌ها یا کمیته‌های مختلف، فعالیت دارد و در هر بخش برای ارتقای دانش و تبادل تجربیات اعضا برنامه‌هایی را تدوین کرده است. گذشته از برخورد فعال و مستقل اعضای کانون با هر نمایش، دیدگاه خاصی که هر منتقد در ارزیابی هر اثر دارد، کانون می‌کوشد در یک همفکری و همسویی مشترک رویدادهای تئاتری داخل و خارج از کشور را مطرح سازد. بنابراین و بر مبنای اساسنامه ارتباط کانون با هر حرکت و جریانی یا با هر نماد و سازمانی در ارتباط با تئاتر و در گستره فعالیت منتقدان تئاتر شکل خواهد گرفت و با آنها که در جهت پویایی و بالندگی تئاتر تلاش دارند همسو و همراه خواهد بود و هر حرکتی را در این زمینه ارج خواهد گذاشت، اما از سوی دیگر با هر چه مانع در این راه است طبیعاً ناسازگار خواهد بود.

از عضو هیأت مؤسس کانون ملی منتقدان تئاتر از وضعیت امروز کانون می‌پرسم؛ می‌گوید:

کانون ملی منتقدان تئاتر در آغاز فعالیت، حرکتی خوب و پر بار داشت، و طی ۶ ماه از ۱۸۳ تقاضای عضویت، هیأت‌مدیره پس از بررسی صلاحیت متقاضیان با عضویت ۱۶۷ تن به عنوان اعضای رسمی و افتخاری کانون موافقت کرد که برای همه آنها کارت عضویت صادر شد. حضور اعضای کانون به عنوان داور در جشنواره‌های تئاتر فجر، صدور بیانیه و اهدای جایزه به برگزیدگان، نقد و بررسی نمایش‌های صحنه، تشکیل کمیته عکس، کمیته نشر، کمیته پژوهش، کمیته روابط عمومی از دیگر فعالیت‌های کانون در نخستین سال‌های شکل‌گیری آن بود.

از علی شیدفر می‌پرسم: «اگر در زمینه تئاتر، تشکیل دیگری موجود است، تفاوت کانون با آن شکل یا شکل‌ها چیست؟» پاسخ چنین است: «در سال‌هایی که کانون

ملی منتقدان تئاتر غیرفعال بود، انجمنی به نام انجمن منتقدان تئاتر به همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی اعلام موجودیت کرد و کوشید در زمینه نقد تئاتر خلاء موجود را تا حدودی برطرف سازد. اما فعالیت این انجمن تنها به برگزاری جلسات نقد و بررسی نمایش و نشست‌های ماهانه منتقدان، مسؤولان و دست‌اندرکاران تئاتر خلاصه می‌شد و به عنوان یک تشکل صنفی چندان مطرح نبود. این انجمن در حال حاضر هم فعال است و در آخرین نشست خود ضرورت برگزاری جشنواره‌ها را به بحث و بررسی گذاشت.»

علی شیدفر دربارهٔ تعدد انجمن‌های صنفی می‌گوید: «تعدد انجمن‌های صنفی البته کاری مثبت و ارزنده است که به وحدت و تشکل هر

■ **کانون ملی منتقدان تئاتر در آغاز فعالیت، حرکتی خوب و پر بار داشت. به طوری که هیأت‌مدیره طی ۶ ماه از ۱۸۳ تقاضای عضویت، با عضویت ۱۶۷ تن به عنوان اعضای رسمی و افتخاری کانون موافقت کرد.**

صنف کمک خواهد کرد. اما به شرط آنکه هر انجمن یک صنف خاص را در بر گرفته باشد نه آنکه هر صنف دارای چند انجمن باشد. مثل کانون ملی منتقدان تئاتر، یا انجمن منتقدان تئاتر یا انجمن نویسندگان و منتقدان سینمایی، یا انجمن نویسندگان مستقل سینمایی یا مثلاً انجمن نویسندگان آزاد سینمایی این پراکندگی‌ها مغایر با اهداف هر تشکل صنفی است و جز تضعیف هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند.

به گمان من حتی تجمع هنرمندان در خانه سینما، خانه عکاسان یا خانه تئاتر و... نوعی تفکیک است که به وحدت آنها آسیب می‌رساند. بهتر است توان همه هنرمندان در خانه هنر مرکزیت پیدا کند و در آنجا با انجمن‌های صنفی مختلف و فراگیر مثل نویسندگان، منتقدان، بازیگران، کارگردانان، برای احقاق حقوق مادی و معنوی خود تلاشی جمعی را دنبال کنند. پراکنده‌کاری به خصوص در وادی هنر هرگز راه به جایی نمی‌برد.» □